

۳  
افق

شب غافلگیری

حملات متقابل ایران و آمریکا به اردن و عراق

۴  
کافه

جامعه افسرده شده

گفت‌وگو با علیرضا خمسه

۸  
بازتاب

واکنش به «سازمان شکاف ملی»

جوابیه سازمان صداوسیما به گزارش روزنامه سازندگی

۲  
میدان

هشدار لبنان‌یزه‌شدن

امیر اقتناعی، عضو شورای مرکزی  
حزب کارگزاران سازندگی ایران: جنگ نباید  
به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل شود

یادداشت روز

## راهبردی برای مهار قدرت سایه

بازسازی حکمرانی و بازآفرینی اعتماد؛  
ضرورتی برای توسعه متوازن ایران

جهانبخش خانجانی

عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته اجتماعی  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

مسئله امروز ایران، کمبود قدرت نیست؛ مسئله، کیفیت اعمال قدرت است. کشوری با پیشینه تاریخی، سرمایه انسانی، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و ظرفیت‌های گسترده اقتصادی و فرهنگی، زمانی می‌تواند پرچالش‌های داخلی و خارجی غلبه کند که از حکمرانی کارآمد، نهادهای پاسخگو و اعتماد عمومی برخوردار باشد. در غیاب این مؤلفه‌ها حتی بهترین سیاست‌ها نیز با دشواری اجرا می‌شوند و فاصله میان دولت و جامعه افزایش می‌یابد.

تحولات سال‌های اخیر، از فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها تا تنش‌های منطقه‌ای و تغییرات اجتماعی، نشان داده که مهم‌ترین سرمایه هر کشور، تنها منابع مالی یا توان نظامی نیست؛ بلکه اعتماد شهروندان به نهادهای عمومی است. این اعتماد، سرمایه‌ای است که اجرای سیاست‌های دشوار را ممکن می‌کند، مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد و توان ملی را در مواجهه با بحران‌ها بالا می‌برد. از همین منظر، تقویت قدرت رسمی نباید به‌معنای افزایش تمرکز قدرت یا گسترش اختیارات اداری تعبیر شود. قدرت رسمی زمانی پایدار و مؤثر است که بر قانون، شفافیت، پاسخگویی، شایسته‌سالاری و اعتماد عمومی استوار باشد. اقتداری که از دل اعتماد شهروندان شکل بگیرد بسیار پایداتر از اقتداری است که تنها بر ابزارهای اداری یا سیاسی تکیه دارد.

در مقابل، آنچه در این مقاله از آن با عنوان «قدرت سایه» یاد می‌شود، اشاره به یک نهاد یا جریان خاص نیست؛ بلکه مفهومی تحلیلی برای توصیف مجموعه روندها و سازوکارهای غیررسمی است که در نتیجه کاهش کارآمدی نهادهای رسمی یا افت اعتماد عمومی، مجال اثرگذاری پیدا می‌کنند. هرگاه مسیرهای رسمی از کارآمدی، شفافیت و سرعت لازم برخوردار نباشند، جامعه و حتی برخی کنشگران اقتصادی و اجتماعی به‌طور طبیعی به سازوکارهای جایگزین روی می‌آورند؛ وضعیتی که به‌تدریج مرجعیت نهادهای رسمی را تضعیف و هزینه اداره کشور را افزایش می‌دهد. از این‌رو، تقویت قدرت رسمی و مهار قدرت سایه دو سیاست جداگانه نیستند بلکه دو روی یک راهبرد واحد برای بازسازی حکمرانی‌اند. هر اقدامی که اعتماد عمومی، قانون‌گرایی، شفافیت و مشارکت مسئولانه شهروندان را تقویت کند همزمان اقتدار نهادهای رسمی را افزایش داده و از گسترش سازوکارهای غیرشفاف جلوگیری می‌کند.

در چنین شرایطی، سیاست نیز نیازمند بازاندیشی است. تجربه دو دهه گذشته نشان می‌دهد، تمرکز صرف بر رقابت برای کسب قدرت، پاسخگویی پیچیدگی‌های امروز جامعه ایران نیست. آنچه اهمیت دارد، ارتقای کیفیت حکمرانی و افزایش ظرفیت جامعه برای مشارکت در حل مسائل عمومی است. از همین جا ضرورت گذار از «اصلاح‌طلبی قدرت‌محور» به «اصلاح‌طلبی جامعه‌محور» مطرح می‌شود؛ رویکردی که هدف آن، نه صرفاً حضور در قدرت بلکه تقویت جامعه، نهادهای مدنی، سرمایه اجتماعی و کیفیت اداره کشور است.

آنچه امروز بیش از هر چیز به آن نیاز داریم، بازسازی ظرفیت حکمرانی است. حکمرانی صرفاً به‌معنای اداره دولت نیست؛ بلکه توانایی نهادهای رسمی برای تصمیم‌گیری مؤثر، اجرای قانون، ایجاد هماهنگی، حل اختلافات و جلب اعتماد شهروندان است. هر اندازه این ظرفیت افزایش یابد، توان کشور برای عبور از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی نیز بیشتر خواهد شد. از این منظر، امنیت، توسعه و سرمایه اجتماعی جدا از یکدیگر نیستند. جامعه‌ای که به نهادهای خود اعتماد دارد، در برابر فشارهای خارجی مقاوم‌تر است، اصلاحات اقتصادی را با هزینه کمتری می‌پذیرد و در برابر افراط‌گرایی و رادیکالیسم نیز آسیب‌پذیری کمتری خواهد داشت. از این‌رو، تقویت اعتماد عمومی باید بخشی از راهبرد امنیت ملی و توسعه پایدار تلقی شود. این نگاه نسبت دولت و جامعه را نیز بازتعریف می‌کند. جامعه رقیب دولت نیست و دولت نیز نباید جامعه را صرفاً مخاطب تصمیم‌های خود بداند. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که توسعه پایدار زمانی شکل می‌گیرد که دولت، جامعه، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، رسانه‌های حرفه‌ای و نهادهای مدنی هر یک نقش خود را در چارچوب قانون ایفا کنند و میان آنان رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و مسئولیت متقابل برقرار باشد.

در این میان، نهادهای میانجی جایگاهی تعیین‌کننده دارند. احزاب، انجمن‌های علمی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکلهای صنفی و رسانه‌های مسئول، می‌توانند مطالبات جامعه را به زبان کارشناسی ترجمه کنند و در مقابل سیاست‌های عمومی را برای افکار عمومی تبیین نمایند.

| ادامه در صفحه ۸

## رئیس کل زیر ضرب

بازگشت محاصره دریایی و افزایش تنش‌های منطقه‌ای، کشور را مستعد شوک‌های جدید اقتصادی کرده است

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی چگونه می‌تواند اقتصاد ایران را از این بحران‌ها و مصائب مصون بدارد؟

سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

تصور کنید، سیلابی عظیم به سمت یک شهر در حرکت است. اگر سدها سالم باشند، می‌توان جریان آب را کنترل کرد اما اگر دیوارها از قبل ترک خورده باشند، تنها کاری که از مدیر بحران برمی‌آید، چیدن کیسه‌های شن برای کاهش خسارت است. این روزها وضعیت رئیس کل بانک مرکزی نیز چندان متفاوت نیست. کاهش تنش‌های سیاسی در ماه تیر توانست، سرعت پیشروی سیل تورم را تا حدی کند، کند اما خود سیل همچنان جاری است. کسری بودجه، رشد بی‌سابقه نقدینگی، جنگ، محاصره دریایی و نااطمینانی‌های سیاسی، فشارهایی هستند که همچنان اقتصاد ایران را به سمت تورم بیشتر سوق می‌دهند. آمارهای ماه تیر نشان می‌دهد، بانک مرکزی توانسته از شدت رشد قیمت‌ها بکاهد اما هنوز فاصله زیادی تا مهار تورم وجود دارد. براساس آمارهای بانک مرکزی، تورم ماهانه در ماه تیر از ۷.۴ درصد در خرداد به ۳.۶ درصد کاهش یافت که در نگاه نخست امیدوارکننده به‌نظر می‌رسد. اما همزمان تورم نقطه‌به‌نقطه با افزایش ۰.۸ واحد درصدی به ۸۳.۹ درصد رسید و تورم سالانه نیز از ۶۱.۴ به ۶۲.۱ درصد افزایش یافت. به بیان دیگر، سرعت افزایش قیمت‌ها نسبت به ماه قبل کمتر شده اما سطح عمومی قیمت‌ها همچنان با شتابی بسیار بالا نسبت به سال گذشته در حال رشد است. عامل اصلی کاهش تورم ماهانه، فروکش کردن شوک‌های سیاسی بود. با کاهش نسبی تنش‌های نظامی، رفع موقت محاصره دریایی و شکل‌گیری امید به از سرگیری مذاکرات، انتظارات تورمی تا حدی تعدیل شد.

| ادامه در صفحه ۶



یاستور

نمی‌توانیم به مردم زور بگوییم

پزشکیان: خداوند از ما نخواهد گذشت اگر نتوانیم معیشت و سطح زندگی مردم را بهبود بخشیم



**گروه سیاسی:** رئیس‌جمهور روز گذشته در جلسه هیأت دولت، «بهبود معیشت مردم»، «عدالت در حکمرانی» و «پرهیز از هرگونه ظلم به مردم» را سه محور اصلی سیاست‌های دولت برشمرد و با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی برای مقابله با زور و ظلم خارجی ایستادگی می‌کند، گفت: «ما با دشمنان می‌جنگیم تا زیر بار زور و ظلم نرویم؛ بنابراین نمی‌توانیم خودمان به مردم زور بگوییم یا ظلم کنیم چراکه این دو رویکرد با یکدیگر در تناقض است».

جلسه هیأت دولت صبح روز چهارشنبه هفتم مردادماه به ریاست مسعود پزشکیان برگزار شد و رئیس‌جمهور در سخنانی، خدمت به مردم و افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی را مهم‌ترین مأموریت دولت دانست. پزشکیان با قدردانی از عملکرد اعضای کابینه، ارتقای بهره‌وری و افزایش بازدهی در اداره کشور را اولویت دولت عنوان کرد و گفت: «با تمامی افرادی که بتوانند گره‌ای از مشکلات مردم بکشایند، همکاری خواهیم کرد». او بر ضرورت همدلی میان مسئولان برای جبران کاستی‌ها تأکید کرد و افزود: «ضرورت دارد همه در کنار یکدیگر باشیم و کاستی‌ها را جبران کنیم؛ از این‌رو با تمام وجود به خدمت ادامه خواهیم داد».

رئیس‌جمهور با بیان اینکه آینده مردم، به‌ویژه جوانان، مهم‌ترین دغدغه دولت است، مسئولیت مدیران را در قبال حل مشکلات جامعه بسیار سنگین توصیف و خاطر نشان کرد: «مسئولیت در مسیر برطرف کردن مشکلات مردم بسیار سنگین است؛ بنابراین سیاست‌ها و اقدامات باید در راستای حل مشکلات و آبادانی کشور باشد».

پزشکیان همچنین بر ضرورت رعایت انصاف و عدالت در اداره کشور تأکید کرد و گفت: «در این مسیر، نگاه ما به جناح، حزب یا جنسیت نیست و از تمامی ظرفیت‌ها برای خدمت به ملت بهره خواهیم گرفت؛ رفتارمان مبتنی بر انصاف و عدالت خواهد بود و از خودبزرگ‌بینی پرهیز می‌کنیم چراکه پیشتر اختلافات، ریشه در هوای نفسانی دارد».

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود بهبود معیشت مردم را از مهم‌ترین وظایف دولت دانست و هشدار داد: «خداوند از ما نخواهد گذشت اگر نتوانیم معیشت و سطح زندگی مردم را بهبود بخشیم». وی تأکید کرد: «تمام پست‌ها، مسئولیت‌ها و ریاست‌ها باید در راستای خدمت به مردم و رفع مشکلات آحاد جامعه باشد. ارتقای سطح تحصیلات جوانان و توجه به بهداشت و درمان نیز از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید مورد اهتمام جدی قرار گیرد».

پزشکیان همچنین با اشاره به شرایط منطقه و مقاومت ملت ایران در برابر فشارهای خارجی، این ایستادگی را الگویی کم‌نظیر از مقابله با زور و ظلم دانست و تصریح کرد: «ما با دشمنان می‌جنگیم و در برابر آنان مقاومت می‌کنیم تا زیر بار زور و ظلم نرویم؛ به همین دلیل نمی‌توانیم خودمان به مردم زور بگوییم یا ظلم کنیم». او تأکید کرد میان مقاومت در برابر ظلم خارجی و رعایت عدالت در داخل کشور، پیوندی ناگسستنی وجود دارد و هرگونه رفتار ناعادلانه با مردم با فلسفه این مقاومت در تضاد است.

رئیس‌جمهور در پایان سخنان خود به ثبت جهانی قلعه الموت در فهرست میراث جهانی یونسکو اشاره کرد و آن را یکی از دستاوردهای ارزشمند کشور در حوزه میراث فرهنگی دانست. وی با قدردانی از همه دست‌اندرکاران این پرونده، این موفقیت را نتیجه تلاش جمعی متخصصان و مسئولان عنوان کرد و گفت، ثبت جهانی این اثر تاریخی دستاوردی مهم برای ایران و گامی مؤثر در معرفی ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی کشور در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

هشدار لبنانی‌زدن

امیر اقتناعی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران: جنگ نباید به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل شود

هدف نیست؛ همه اینها وسیله‌اند و هدف اصلی، آسایش و رفاه مردم و در نهایت، توسعه و سربلندی کشور است. این فعال سیاسی، در بخش دیگری از سخنانش درباره تفاهم اسلام‌آباد، یادآور شد: رئیس‌جمهور یک یادداشت تفاهم یک‌صفحه‌ای را امضا کرده‌اند که در پرتو آن، دست‌کم چند هفته‌ای، جامعه آرامش نسبی را تجربه کرد؛ پس از قریب به ۳ماه توقف صادرات، در یک بازه ۲۵روزه، حدود ۵۰میلیون بشکه نفت فروختیم، کمبود ارزاق و کالاهای اساسی مردم را تا حد زیادی جبران کردیم و آئین تشییع رهبر شهید نیز با آرامش برگزار شد.

اقتناعی افزود: با این حال، برخی از همان ابتدا تصمیم گرفتند این تفاهم را بی‌فایده جلوه دهند و خواستار خروج کامل از آن هستند. به‌واقع باید دید کسانی که کمر همت بسته‌اند برای سایه افکندن یأس و سرخوردگی بر جامعه و به‌نبال آن، سلب آسایش از مردم، چه کسانی هستند، هدف‌شان چیست و آب‌خورشان کجاست؟

او تأکید کرد: اگر قرار است همه زحمات افرادی چون پزشکیان، قالیباف، عراقچی، همتی و دیگر اعضای تیم مذاکره‌کننده که همراهی و حمایت دستگاه قضایی، فرماندهان ارشد نظامی و اعضای شورای امنیت ملی را با خود داشته و دارند، نادیده گرفته شود و جامعه به ورطه ناامیدی سوق داده شود، منتقدان باید روشن کنند که چه راهبرد عقلانی و عملی جایگزینی برای عبور جامعه از این برزخ دارند؟

این فعال حزبی خاطر نشان کرد: با کمی تدقیق در تاریخ معاصر ایران، درمی‌یابیم که جریان‌ات رادیکال و افراطی، حتی یک پاره‌آجر هم در مسیر آبادانی کشور جابه‌جا نکرده‌اند، اما تا دل‌تان بخواهد خسارت به‌بار آورده‌اند و ویرانی بر جای گذاشته‌اند.

وحدت ملی صرفاً با شعار محقق نمی‌شود

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، با تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام ملی در شرایط کنونی گفت: وحدت و انسجام ملی امری نیست که با شعار به‌دست آید؛ این موضوع نیازمند مقدمات و زمینه‌هایی است که به رعایت ملاحظات نظری و اخلاقی وابسته است.

او تأکید کرد: اگر فقط به جامعه دستور «وحدت» داده شود، اما برخی دستگاه‌ها و جریان‌ات، در جایگاه نفرت‌پرانی و جنگ‌طلبی ظاهر شوند، نت‌ها مردم این شعارها را جدی نمی‌گیرند بلکه بالعکس، احساس القای تبعیت محض و چه‌بسا ایجاد فضای خفقان در درون‌شان شکل خواهد گرفت. این فعال حزبی بیان کرد: همه باید بپذیرند که در سیاست، هر آنچه رخ می‌دهد، نهایتاً بر پایه واقعیت‌ها و الزامات موجود است، نه بنا بر رویاها و آرزوهایی که در ذهن‌ها می‌گذرد.

اقتناعی همچنین با تأکید بر اینکه سیاست باید بر پایه واقعیت‌ها اداره شود، نه آرزوها، گفت: برخی منتقدان دولت در شرایط جنگی، مرزهای انتقاد را درنور دیده و برای تسویه حساب‌های سیاسی و بعضاً شخصی، به حمله و تخریب متوسل می‌شوند.

او تصریح کرد: «اینها اگر واقعاً منصف باشند، باید به‌جای تمرکز صرف بر اینکه دشمنان در این کشمکش‌ها و تجاوزها چه چیزهایی را از دست داده و می‌دهند، لحظه‌ای هم در این نکته تأمل کنند که ما و ایران عزیز ما، با جنگ و پیامدهای ناشی از آن، چه چیزهایی به‌دست آورده و می‌آوریم؟

اقتناعی ادامه داد: اینکه با اصرار بر ادامه این مسیر آن‌هم در مقابل دیوانگان و جنایتکارانی تا این حد متوحش – به‌جای اندیشیدن به تدابیری برای مهارشان، صرفاً به راهبرد کنش متقابل بسنده کنیم، چه فواید و چه مضراتی در ابعاد مختلف روانی، معیشتی، اجتماعی و... برای جامعه ایرانی داشته و خواهد داشت؟

اقتناعی ادامه داد: روشن است که اگر دغدغه حقیقی منتقدان آسایش و آرامش مردم باشد، باید منصفانه در این موضوعات تدبّر کنند و درباره منافع و هزینه‌های واقعی –و نه شعاری – چنین رویکردی، صادقانه با مردم سخن بگویند.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در پایان ابراز امیدواری کرد که آحاد جامعه، در هر جایگاه و مسئولیتی، ضمن رعایت عقلانیت و انصاف بتوانند در کنار یکدیگر از این بزرگ‌تاریخی عبور کرده و ایران عزیز را به سلامت به ساحل امن برسانند.

شکلی دفاع می‌کنند، باید منصفانه بپذیرند که جنگ، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روانی و معیشتی دارد. این فعال سیاسی تصریح کرد: رئیس‌جمهور در حقیقت دارد این واقعیت را شفاف می‌کند تا هم آنان متوجه شوند و هم برای جامعه روشن شود که این مشکلات از کجا ناشی می‌شود. باشد که نیات غیرعقلانی جریان‌ات تدررو عیان شود.

افتادن کشور در ورطه فرسودگی مفرط و مستمر

اقتناعی در ارزیابی از سخن رئیس‌جمهور، مبنی بر اینکه حفظ ثبات اقتصادی اولویت اصلی کشور است، اظهار کرد: رئیس‌جمهور پیش از این هم بارها تأکید کرده بودند که دولت و دستگاه اجرایی، مسئول تأمین زندگی، آسایش، امنیت و رفاه برای



مردم هستند؛ یعنی همان حداقلی که حق هر شهروند ایرانی است. معاون دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، تصریح کرد: اگر می‌خواهیم کشوری توانمند و پایدار در برابر دشمن داشته باشیم، باید ثبات اقتصادی را به‌عنوان پیش‌شرط اساسی لحاظ کنیم؛ زیرا با لحاظ این شرط است که هم آرامش مردم تضمین می‌شود و هم کشور در شرایط ناگزیر تقابل با دشمنان خارجی، قادر به دفاع مؤثر و منجر به سربلندی خواهد بود.

اقتناعی هشدار داد: در غیر این‌صورت، کشور به‌تدریج دچار فرسودگی مفرط می‌شود و این همان چیزی است که دشمنان ایران در پی آن هستند؛ یعنی کشاندن ایران به جنگی فرسایشی برای فرسودن توان ملی و کاستن از رمق جامعه. وی سپس با اشاره به پیامدهای تداوم چنین شرایطی، گفت: افتادن در ورطه فرسودگی مفرط و مستمر، همان چیزی است که من اسمش را «لبنانی‌زه» شدن می‌گذارم. به این معنا که «جنگ» جزئی جدایی‌ناپذیر از «زندگی» روزمره مردم شود و در همه ساحت‌های حیات مردم جاری و ساری باشد.

مذاکره، ابزاری برای خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح»

این فعال سیاسی با انتقاد از فضای ایجادشده علیه برخی سیاستمداران و مذاکره‌کنندگان، گفت: در سال‌های اخیر به برخی جریان‌های افراطی و خردستیز، مجال داده شد تا بسیاری از سیاستمداران ملی را آماج هتک و تخطئه قرار داده و برخی را هم عزلت‌نشین کنند؛ جریان‌هایی که بیش از آنکه اهل اندیشه باشند، اهل هیاهو، اتهام‌زنی و ادعا هستند و برای گفتن و تاختن، هیچ مرز و قاعده‌ای نمی‌شناسند. وی افزود: هم آقای رئیس‌جمهور و هم تیم مذاکره‌کننده و به‌نوعی هم سران قوا، نشان داده‌اند که چقدر محکم و متحد در کنار هم ایستاده‌اند تا کشور را از این شرایط سهمگین، عبور دهند و به ریل طبیعی بازگردانند. آنان به‌درستی اهمیت مسئله تاب‌آوری جامعه را فهم کرده‌اند.

اقتناعی با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور، درباره مخالفت رهبر شهید با وضعیت «نه جنگ و نه صلح»، اظهار کرد: آقای رئیس‌جمهور در سخنان خود گفته‌اند که رهبر شهید، اساساً با وضعیت «نه جنگ و نه صلح» موافق نبودند و بر خروج از این وضعیت تأکید داشتند. منطق خروج از چنین وضعی هم مذاکره است. اگر مذاکره‌ای انجام شده و می‌شود، در واقع برای عبور از همان برزخ نه جنگ و نه صلح است که باید از آن خارج شد.

در فواید تفاهم اسلام‌آباد

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، ادامه داد: برخی جریان‌ها می‌گویند که این یادداشت تفاهم چه فایده‌ای دارد و آمریکا زیر آن خواهد زد اما دو نکته مهم را نباید فراموش کنیم. نخست اینکه مذاکره، جنگ یا هر ابزار دیگری



# تذکر به اوکراین

## معمای حمله اوکراین به کشتی ایرانی

**گروه بین‌الملل:** دریای خزر که سال‌ها به‌عنوان یکی از امن‌ترین مسیرهای ارتباطی میان ایران و روسیه شناخته می‌شد اکنون وارد مرحله‌ای تازه از تحولات امنیتی شده است. حمله نظامی ۵ روز پیش به یک کشتی تجاری با پرچم ایران، تنها یک حادثه دریایی نیست بلکه نشانه‌ای از گسترش دامنه جنگ اوکراین به منطقه‌ای است که تاکنون از درگیری‌های مستقیم دور مانده بود. این رویداد علاوه بر افزایش تنش میان تهران و کی‌یف، پرسش‌های مهمی درباره امنیت مسیرهای لجستیکی، قواعد حقوق بین‌الملل و آینده موازنه قدرت در دریای خزر را ایجاد کرده است.

### حمله‌ای که معادلات را تغییر داد

براساس اطلاعات منتشرشده، نیروهای دوربرد اوکراین یک کشتی کانتینربر ایرانی را در حال عبور از دریای خزر هدف قرار دادند؛ حمله‌ای که به انفجار در کشتی، کشته شدن یکی از خدمه ایرانی و زخمی شدن یک نفر دیگر انجامید. اندکی بعد ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، تأیید کرد که نیروهای این کشور مجموعه‌ای از حملات دوربرد را علیه اهداف دریایی و زیرساخت‌های لجستیکی در دریای خزر انجام داده‌اند؛ اهدافی که به گفته او در انتقال محموله‌های مرتبط با همکاری نظامی ایران

### خاورمیانه

## شب غافلگیری

## حملات متقابل ایران و آمریکا به اردن و عراق

### ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

حمله مشترک آمریکا و عربستان سعودی به مواضع حشدالشعبی در عراق تنها یک عملیات نظامی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از ورود بحران عراق به مرحله‌ای تازه است. این حمله که پس از ادعای ریاض درباره حملات پهنادی به تأسیسات نفتی این کشور انجام شد، بار دیگر عراق را به مرکز رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل کرده است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا این حمله صرفاً پاسخی به یک تهدید امنیتی بود یا بخشی از راهبردی گسترده‌تر برای تغییر موازنه قدرت در عراق و افزایش فشار بر محور مقاومت؟

### ماجرای چیست؛ چه اتفاقی افتاده است؟

تنش‌ها از زمانی آغاز شد که عربستان سعودی مدعی شد، گروه‌های مقاومت عراق در روزهای اخیر با استفاده از پهپاد، تأسیسات نفتی این کشور را هدف قرار داده‌اند. مقام‌های سعودی اعلام کردند این حملات را رهگیری کرده و هشدار دادند که به آن پاسخ خواهند داد. در مقابل، گروه‌های مقاومت عراق هرگونه نقش در این حملات را رد کردند و مدعی شدند، ریاض برای پرهیز از پاسخ مستقیم به حملات یمن تلاش کرده، مسئولیت این عملیات را متوجه عراق کند. در نهایت بامداد چهارشنبه آمریکا و عربستان سعودی در عملیاتی مشترک مواضع حشدالشعبی را در بغداد، واسط، نینوا، بصره، کرکوک، کربلا و دیالی هدف حملات هوایی قرار دادند. سازمان حشدالشعبی اعلام کرد در این حملات دست‌کم ۲۰ نفر شهید و ۳۲ نفر زخمی شدند و خسارات گسترده‌ای به مقرها و تجهیزات این نیرو وارد شده است. در حمله به کربلا نیز چهار نیروی سپاه پاسداران ایران به شهادت رسیدند؛ موضوعی که ابعاد منطقه‌ای این بحران را پررنگ‌تر کرد.

### چرا اهمیت دارد؟

اهمیت این رویداد تنها به تلفات یا گستردگی حملات محدود نمی‌شود. برای نخستین‌بار طی سال‌های اخیر، عربستان سعودی به‌طور رسمی مشارکت خود در حمله‌ای نظامی به اهدافی در خاک عراق را تأیید کرد. این اقدام می‌تواند، روابط بغداد و ریاض را وارد مرحله‌ای پرتنش کرده و عراق را دوباره به صحنه رویارویی مستقیم میان آمریکا، متحدان عرب آن و محور مقاومت تبدیل کند.

### زمینه موضوع چیست؟

تحولات اخیر در ادامه روندی رخ داده که طی ماه‌های گذشته در عراق جریان داشته است. واشنگتن تلاش کرده با افزایش فشارهای

و روسیه نقش داشته‌اند. در مقابل، تهران این اقدام را نقض آشکار حقوق بین‌الملل دریایی توصیف کرد. وزارت امور خارجه ایران با احضار کاردار اوکراین، این حمله را اقدامی «مجرمانه» خواند و اعلام کرد که موضوع از مسیرهای حقوقی و دیپلماتیک پیگیری خواهد شد. این نخستین‌بار است که یک شهروند ایرانی مستقیماً در نتیجه عملیات نظامی اوکراین، جان خود را از دست می‌دهد؛ موضوعی که اهمیت سیاسی این حادثه را دوچندان کرده است.

### چرا دریای خزر اهمیت دارد؟

اهمیت این حمله بیش از هر چیز به جایگاه راهبردی دریای خزر بازمی‌گردد. این پهنه آبی طی سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌های غرب علیه روسیه، به یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل میان تهران و مسکو تبدیل شده است. بنادر شمالی ایران، ازجمله بندر انزلی و امیرآباد، از طریق این مسیر به بنادر روسیه متصل هستند و نقش مهمی در تبادلات تجاری و لجستیکی ایفا می‌کنند. کشورهای غربی و اوکراین، بارها مدعی شده‌اند که بخشی از تجهیزات نظامی و قطعات مورد نیاز روسیه از طریق همین مسیر منتقل می‌شود؛ ادعایی که ایران روایت متفاوتی درباره آن ارائه کرده است. با این حال حمله اخیر نشان



فعالیت تجاری و پشتیبانی نظامی بیش از گذشته مبهم شده است.

### پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

با وجود لحن تند دو طرف، نشانه‌هایی از تلاش برای جلوگیری از تشدید فوری بحران نیز دیده می‌شود. مقام‌های اوکراینی تأکید کرده‌اند که هدف عملیات، شبکه لجستیکی روسیه بوده و قصدی برای هدف قرار دادن غیرنظامیان وجود نداشته است. در مقابل ایران ضمن مطالبه غرامت و پاسخگویی، اعلام کرده که همچنان مسیرهای حقوقی و دیپلماتیک را دنبال خواهد کرد. با این حال این حادثه یک پیام روشن دارد: جنگ اوکراین دیگر تنها به خطوط مقدم در شرق اروپا محدود نیست، با توسعه توان حملات دوربرد، مسیرهای پشتیبانی و زنجیره‌های تأمین نیز به بخشی از میدان نبرد تبدیل شده‌اند. اگر این روند ادامه یابد، دریای خزر که سال‌ها منطقه‌ای نسبتاً امن تلقی می‌شد ممکن است به یکی از حساس‌ترین نقاط رقابت ژئوپلیتیکی میان بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تبدیل شود.

### خاورمیانه

## دریای سرخ پولی می‌شود؟

### ادعای رویترز درباره تصمیم انصارالله

خبرگزاری رویترز مدعی شد که گروه انصارالله یمن در حال بررسی اعمال عوارض بر کشتی‌های تجاری عبوری از جنوب دریای سرخ است؛ این اقدام یک هفته پس از اعلام محاصره دریایی علیه عربستان سعودی صورت می‌گیرد. انصارالله در حال بررسی اعمال عوارض بر بیشتر تردها از طریق تنگه باریک باب‌المنندب هستند که جنوب دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند. آنها افزودند که در این مرحله زمان مشخصی برای اجرا تعیین نشده است. دفتر رسانه‌ای انصارالله به درخواست برای اظهارنظر پاسخی نداد. دو مقام منطقه‌ای که توسط تهران مطلع شده‌اند به رویترز گفتند، مقامات انصارالله در ماه ژوئیه برای شرکت در مراسم تشییع رهبر فقید عالی‌جناب آیت‌الله علی خامنه‌ای به ایران سفر کردند و در آنجا هتایان ایرانی آنها درباره موضوع اعمال عوارض بر ترانزیت باب‌المنندب با آنها گفت‌وگو کردند.

به گفته منابع، اهداف چنین اقدامی عادی‌سازی رویه اعمال عوارض بر آبراه‌های بین‌المللی و افزایش فشار بر ایالات متحده خواهد بود. آنها افزودند که کشتی‌های چینی از چنین عوارضی معاف خواهند بود و انصارالله از این ترتیب حمایت می‌کنند. منابع به رویترز گفته‌اند که چین با انصارالله مذاکرات مستقیمی داشته تا نفتکش‌هایش بتوانند بدون مورد حمله قرار گرفتن از جنوب دریای سرخ عبور کنند. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت عربستان سعودی در جهان است. بسته شدن باب‌المنندب، عربستان سعودی را از یک جایگزین حیاتی برای تنگه هرمز محروم کرده و نگرانی‌ها از کمبود عرضه نفت را افزایش می‌دهد. براساس گزارش گروه کارشناسان سازمان ملل در سال ۲۰۲۴ پیش‌تر ادعا شده بود که انصارالله در اوج کارزار دریایی خود در سال ۲۰۲۴ در ازای عبور امن از برخی آژانس‌های کشتیرانی که از دریای سرخ و خلیج عدن عبور می‌کردند، عوارض دریافت کرده‌اند. این گزارش گفت که قادر به تأیید مستقل این اطلاعات نبوده است. تخمین زده می‌شد که این عوارض به ۱۸۰ میلیون دلار در ماه رسیده باشد هرچند این جزئیات تأیید نشده است.



### پیامدها چیست؟

نخستین پیامد این حملات، تشدید بحران در روابط بغداد و ریاض و افزایش فشار بر دولت عراق برای مدیریت این تنش است. لغو سفر نخست‌وزیر عراق به عربستان و محکومیت گسترده، حملات از سوی جریان‌های سیاسی بی‌اثر عمق این بحران است. در سطح منطقه‌ای نیز احتمال افزایش حملات متقابل گروه‌های مقاومت، تشدید عملیات انصارالله یمن علیه منافع عربستان و افزایش تنش میان ایران و آمریکا وجود دارد.

### واکنش‌ها چه بود؟

علاوه بر جریان‌های سیاسی عراق، واکنش مقتدی صدر نیز در خور توجه بود. رهبر جریان ملی شیعه در پایگاه اینترنتی خود نوشت: سرزمین عراق، سرزمین اماکن مقدس و پایتخت مذهب خاندان پیامبر(ص) است. اگر این سرزمین مقدس، نقطه شروع حمله به جمهوری اسلامی نبوده، برادران در سپاه پاسداران باید سرزمین مستقل و مقدس ما را بمباران نکنند. همچنین شبه‌نظامیان سرکش نباید به برادران در کشورهای خلیج‌فارس پهنانه‌ای برای هدف قرار دادن سرزمین مقدس ما بدهند. وزارت خارجه کشورمان نیز این حملات را محکوم کرد و در پائین‌های اعلام کرد: این حملات تعرض آشکار علیه حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی عراق و نقض فاحش بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بوده و در راستای مطامع آمریکا و اسرائیل برای گسترش دامنه جنگ و درگیری در منطقه غرب آسیاست و رژیم جنگ‌افروز آمریکا و همدستان آن در منطقه را مسئول پیامدهای خطرناک این اقدامات جنایتکارانه، ضدانسانی و تحریک‌آمیز می‌داند. در آن‌سو، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز با اشاره به اینکه حمله به شبه‌نظامیان در عراق با هماهنگی دولت عراق انجام شد و آمریکا در حال بررسی صدور هشدارهای بیشتر به نیروهای نیابتی ایران است، گفت: شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران، سرطان جهان هستند. ترامپ همچنین در واکنش به حمله مویشی ایران به پایگاه آمریکا در اردن گفت، درس سختی به ایران خواهیم داد. پس از اظهارات ترامپ، پرتابه‌ای به جنوب آذربایجان غربی اصابت کرد که به گفته مدیرکل مدیریت بحران آذربایجان غربی تلفات جانی در برداشت.

### چه خواهد شد؟

در صورت تداوم روند کنونی، عراق ممکن است بار دیگر به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رویارویی غیرمستقیم میان آمریکا و محور مقاومت تبدیل شود. اگر حملات متقابل ادامه یابد، احتمال گسترش دامنه بحران به دیگر کشورهای منطقه نیز وجود خواهد داشت.

در مقابل، اگر دولت عراق بتواند از طریق رایزنی‌های دیپلماتیک و ایجاد اجماع داخلی، مانع از تشدید تنش‌ها شود شاید بتوان از تبدیل شدن این بحران به یک جنگ فراگیر جلوگیری کرد. با این حال آنچه از مجموعه تحولات اخیر برمی‌آید این است که حمله مشترک آمریکا و عربستان صرفاً واکنشی مقطعی نبود بلکه می‌تواند، آغاز مرحله‌ای تازه از رقابت بر سر آینده عراق، موازنه قدرت در منطقه و جایگاه محور مقاومت در معادلات غرب آسیا باشد.



ادبیات جهان

## با هفت ملیت از سه قاره

نامزدهای اولیهٔ **جایزهٔ بوکر** ۲۰۲۶ معرفی شدند



فهرست نامزدهای اولیهٔ جایزه «بوکر» ۲۰۲۶ درحالی اعلام شد که نام داگلاس استوارت و مارلون جیمز، دو برندهٔ سابق این جایزه نیز در بین شانس‌های دریافت «بوکر» به‌چشم می‌خورد. در کنار نام این دو، نام الیزابت استرات هم که سه بار نامزد این جایزه شده، کنجکاوی‌برانگیز است.

به گزارش «گاردین» فهرست نامزدهای اولیه بوکر ۲۰۲۶ که ۱۳ رمان را شامل می‌شود، روز سه‌شنبه اعلام شد. این فهرست شامل نویسندگانی با هفت ملیت از سه قاره است که تقریباً نیمی از آن‌ها از بریتانیا هستند. ۱۰ نفر از این نویسندگان برای نخستین‌بار در فهرست اولیه «بوکر» دیده می‌شوند و سه نویسنده رمان‌اولی یعنی کتان اورهان، ریکا پری و جمال وایت به آن راه پیدا کرده‌اند.

مارلون جیمز برای پنجمین رمان خود به‌نام «ناپدیدشدگان» در فهرست اولیهٔ امسال قرار گرفته است. این نویسنده سال ۲۰۱۵ برای رمان «تاریخچه‌ای کوتاه از هفت قتل» برندهٔ این جایزه شد. داگلاس استوارت هم که در سال ۲۰۲۰ با اولین رمان خود به‌نام «شاگی بین» برنده بوکر شد، با سومین رمان خود به‌نام (John of John) به این رقابت بازگشته است. اگر هر یک از این دو نویسنده دوباره برنده شوند، به پنجمین نویسنده‌ای تبدیل خواهند شد که دوبار جایزهٔ «بوکر» را از آن خود کرده‌اند و به جمع «جی.ام. کوتسی»، «پیت کری»، «هیلاری منتل» و «مارگارت اتوود» می‌پیوندند. در همین حال، الیزابت استرات برای سومین‌بار و با اثر «چیزهایی که هرگز نمی‌گویم»، یازدهمین رمان تحسین‌شده او که به آمریکای ترامپ می‌پردازد، نامزد دریافت بوکر شده است. استرات در سال ۲۰۱۶ برای «اسم من لوسی بارتون است» در فهرست بلند قرار گرفت و در سال ۲۰۲۲ برای «او و یلیام!» در فهرست نهایی بود.

کلویی آریخیس (Chloe Aridjis)، نویسندهٔ مکزیکی-بریتانیایی که با رمان «سایهٔ شئی» در فهرست اولیهٔ امسال قرار گرفته است، ممکن است اولین برندهٔ مکزیکی‌تبار بوکر شود. کتان اورهان، نویسندهٔ ترکیه‌ای-آمریکایی نیز که برای اولین رمان خود به‌نام «بازسازی» در فهرست نامزدهای اولیه قرار گرفته است، می‌تواند اولین برندهٔ ترک‌تبار این جایزه باشد.

ام. جان هریسون، نویسنده ۸۱ ساله، مسن‌ترین فرد در این فهرست است و برای نخستین‌بار با رمان «پایان همه چیز»، پس از نگارش ۱۲ رمان و یک دوره داوری جایزه بوکر در سال ۲۰۲۲، در فهرست نامزدهای اولیه قرار گرفته است. اگر هریسون برگزیده شود، به‌عنوان مسن‌ترین دریافت‌کنندهٔ جایزهٔ بوکر از مارگارت اتوود پیشی خواهد گرفت. اتوود سال ۲۰۱۹ در ۷۹سالگی برندهٔ این جایزه شد. جمال وایت، نویسندهٔ ۲۸ ساله و تنها نویسنده ایرلندی این فهرست هم با نخستین رمان خود به‌نام «همه آن سگ‌ها» به جمع نامزدهای اولیه راه یافته است. این فهرست همچنین شامل اثر «سوئیزی» نوشته اما کلاین است که در سپتامبر منتشر می‌شود. «کیف سیاه» به قلم لوک کنارد، «آیا می‌توانیم شاه را سیر کنیم» از ریکا پری، «خانهٔ نخل» از گوندولین رایلی (Gwendoline Riley)، «کالبدشکاف‌ها» نوشته میزوری ویلیامز و «هلن از ناکجا» نوشته مکتا گودمن این فهرست را تکمیل می‌کنند. در مجموع ۱۶۳ کتاب که همگی به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند و بین اول اکتبر ۲۰۲۵ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۶ در بریتانیا یا ایرلند منتشر شده‌اند، برای این رقابت ادبی ارزیابی شده‌اند و فهرست نهایی آن در ۲۲ سپتامبر اعلام و برنده در مراسمی در ۹ نوامبر معرفی می‌شود. برنده سال گذشته جایزه بوکر، دیوید سالای با رمان «گوشت» بود.

جایزهٔ ادبی من بوکر (به انگلیسی: The Man Booker Prize) که به‌نام جایزهٔ بوکر هم شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی در جهان است که هر سال به بهترین رمان جدید انگلیسی‌زبان چاپ بریتانیا یا ایرلند اعطا می‌شود. این جایزه تا سال ۲۰۱۴ تنها به نویسندگان کشورهای مشترک‌المنافع، انگلیسی‌ها و ایرلندی‌ها تعلق می‌گرفت، اما از سال ۲۰۱۴ همهٔ آثار نوشته‌شده به زبان انگلیسی حق شرکت در آن را پیدا کردند. نام برندهٔ این جایزه به‌طور وسیعی در مطبوعات آورده می‌شود؛ بنابراین بردن جایزهٔ بوکر، تأثیر فراوانی در فروش کتاب می‌گذارد.

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

# پژواک جنگ در زمانه صلح

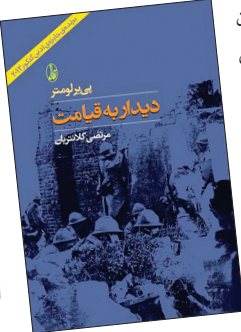
پی‌یر لومتر در **دیدار به قیامت** دوام منطق جنگ پس از پایان آن را روایت می‌کند

آرآکو محمودی

نویسنده و مترجم



بیشتر رمان‌هایی با موضوعات جنگ، می‌کوشند ما را به قلب میدان نبرد ببرند؛ به صدای انفجار، به گل‌ولای سنگرها، به تصادف مرگ و بخت زنده‌ماندن. اما «دیدار به قیامت»، رمان درخشان پی‌یر لومتر، از نقطه‌ای هولناک‌تر آغاز می‌شود: از لحظه‌ای که جنگ ظاهراً تمام شده است. آن‌چه لومتر پیش چشم ما می‌گذارد، نه فقط ویرانی تن‌ها، بلکه دوام منطق جنگ در صلح است؛ صحنی که در آن، گلوله جایش را به قرارداد می‌دهد، سنگر به اداره بدل می‌شود، و سوگواری، خود، وارد بازار می‌شود. جنگ، در تصور عمومی، معمولاً با آخرین شلیک پایان می‌یابد. تاریخ روز آتش‌بس را ثبت می‌کند، دولت‌ها یادبود می‌سازند، خیابان‌ها دوباره پر می‌شوند، و ملت می‌کوشد برای خود روایتی از نجات و بازگشت بسازد. اما ادبیات، دست‌کم در بهترین شکالش، همان‌جا می‌ایستد که تاریخ می‌خواهد پرونده را ببندد. «دیدار به قیامت» از همین جنس است: رمانی که به‌جای آن‌که پایان جنگ را لحظهٔ رهایی بداند، آن را آستانهٔ شکل تازه‌ای از خشونت می‌بیند. پی‌یر لومتر در این رمان برندهٔ جایزهٔ گنکور، به پایان جنگ جهانی اول بازمی‌گردد، اما نه با نگاهی نوستالژیک و نه با آن وقار خشک رمان تاریخی کلاسیک. ثر او پرتحرک، سیال و آغشته به طنزی تلخ است؛ ثری که می‌تواند در یک لحظه از هول به هجو برسد و از تراژدی به نوعی بی‌رحمی روشن‌بینانه. همین کیفیت روایی است که «دیدار به قیامت» را از یک رمان صرفاً ضدجنگ فراتر می‌برد و آن را به



تأملی تیزبینانه دربارهٔ حافظه، طبقه، بدن آسیب‌دیده و اقتصاد سوگواری بدل می‌کند.

**صلحنی که پایان نیست**

رمان در روزهای پایانی جنگ آغاز می‌شود؛ در لحظه‌ای که همه‌چیز ظاهراً به آخر نزدیک است، اما مرگ هنوز دست از کار نکشیده. همین انتخاب زمانی، کلید فهم جهان کتاب است. لومتر به ما می‌فهماند پایان رسمی جنگ لزوماً پایان منطق آن نیست. خشونت می‌تواند لباس عوض کند، لحنش را تغییر دهد، و از میدان نبرد به درون نهادها، سازوکارها و آیین‌های اجتماعی نقل مکان کند. در «دیدار به قیامت»، صلح نه لحظهٔ ترمیم، بلکه صحنهٔ بازتولید ویرانی است. دولت، جامعه و بازار هر یک به شیوهٔ خود می‌کوشند با فاجعه کنار بیایند، اما این کنار آمدن به‌ندرت به معنای عدالت است. آن‌چه بیشتر رخ می‌دهد، سازمان‌دهی حافظه است: تعیین این‌که چه کسی باید به یاد آورده شود، چه‌کسی باید پنهان بماند، و از دل این یادآوری رسمی، چه سودی می‌توان به‌دست آورد. اینجااست که رمان به یکی از دقیق‌ترین بصیرت‌های خود می‌رسد: جنگ فقط آدم‌ها را نمی‌کشد؛ مناسباتی می‌سازد که بعدتر، در صلح، به کار خود ادامه می‌دهند. اگر در جبهه، تن انسان مصرف می‌شند، در پس‌ا جنگ، نوبت به مصرف خاطره، فقدان و عزاداری می‌رسد.

**دو بازمانده در حاشیه**

در مرکز این ویرانهٔ سازمان‌یافته، دو مرد ایستاده‌اند: آلبر مایار و ادوار پریکور. این دو، از همان آغاز، هیچ شباهتی به قهرمان‌های آراسته و افتخارآمیز ادبیات رسمی جنگ ندارند. آلبر مردی است لرزان، مضطرب، کم‌جان و بی‌پناه؛ کسی که

جنگ او را نه به شکوه، بلکه به شکنندگی رسانده است. ادوار، در سوی دیگر، شخصیتی شورشی‌تر و پیچیده‌تر است: مردی از طبقهٔ مرفه که جنگ چهره‌اش را دریده و او را به موجودی بدل کرده که دیگر نمی‌تواند در نظم عادی اجتماع به سادگی ظاهر شود. این دو، در سطحی ساده، بازمانده‌اند؛ اما در سطحی عمیق‌تر، شاهدان شکست‌اند. شکست این تصور که ملت برای قربانیانش آغوشی آماده دارد. جامعه‌ای که برای کشته‌ها مدال، تشریفات و مجسمه تدارک می‌بیند، برای زنده‌مانده‌های ناقص و از ریخت‌افتاده، نه زبانی دارد، نه جایی، نه صبری. رمان از همین جا وارد یکی از حساس‌ترین نکات نقد اجتماعی می‌شود: شکاف میان حافظهٔ رسمی و حقیقت زیسته. آلبر و ادوار نه فقط از جنگ جان‌بسه در برده‌اند؛ از روایتی هم‌جان به در برده‌اند که می‌خواست از جنگ معنایی منسجم، باشکوه و ملی بسازد. وجود آن‌ها خود، اختلالی در این روایت است. آن‌ها یادآوری می‌کنند که جنگ، به‌رغم همهٔ خطابه‌های رسمی، چیزی جز کارخانه‌ای برای تولید شکست، بدن‌های معیوب و روان‌های زخمی نیست.

**زیبایی‌شناسی امتناع**

اگر آلبر حامل ترس و بی‌پناهی است، ادوار حامل زخمی است که از جسم فراتر می‌رود و به سطح هویت می‌رسد. صورت ویران‌شدهٔ او صرفاً یک جراحت نیست؛ نوعی اخراج از جهان دیدارپذیر است. در جامعه‌ای که چهره شرط حضور، شناسایی و معاشرت است، بی‌چهره‌شدن یعنی بیرون افتادن از قراردادهای مرئی زندگی اجتماعی. ماسک‌هایی که ادوار می‌سازد، از همین‌رو، فقط تمهیدی برای پنهان کردن زخم نیستند. آن‌ها صورتک‌های اعتراض‌اند؛ شکلی از امتناع در برابر نظمی که فقط رنج مهارشده و زیباشده را می‌پذیرد. ادوار با این ماسک‌ها، هم خود را از نگاه ترحم‌آمیز پس می‌کشد، هم به جامعه آیینای می‌گیرد که در آن،

علیرضا خمسه، بازیگر قدیمی و سرشناس کمدی ایران، این‌روزها به چند دلیل، بار دیگر نامش در اخبار شنیده می‌شود. او در فیلم کمدی پر مخاطب و پرستاره

این‌روزهای سینما، استخر به کارگردانی سروش صحت، بازی کرده است. اما موضوع دیگر، مرگ ناگهانی اکبر عبدی، یکی از مهم‌ترین بازیگران سینما و تلویزیون بود. خمسه و عبدی را می‌توان دو ستاره اصلی آثار کمدی سینما و تلویزیون از ابتدای دهه ۶۰، دست‌کم به مدت دو دهه دانست. دو بازیگر کمدی که در روزهای خاص جامعه ایران در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب و همزمان با جنگ عراق، توانستند در شادی‌بخشی و سبک کردن فضای سنگین آن دوران، نقش مثبت ایفا کنند. این دو که به‌نظر از دو سبک متفاوت بازی هم می‌آمدند، در چند کار متفاوت و پرتعداد سینمایی و تلویزیونی با هم همکاری کردند و البته هر دو توانستند طی مدت ۵ دهه حضورشان، کماکان خودشان را در سطح مطلوب حرفه‌ای حفظ کنند. علیرضا خمسه، همانطور که در مراسم تشییع اکبر عبدی گفت، رابطه نزدیک و دوستی با او داشت و با گذشت چند روز از این اتفاق تلخ، هنوز از آن متأثر است. در زمان گفت‌وگو درباره اکبر عبدی، می‌شد بغض و اندوه را از لابه‌لای کلمات این کمدین سرشناس که او را با خنده‌های عمیق‌اش می‌شناسیم، به‌خوبی احساس کرد.



**امید ذاکری‌نیا**

گروه فرهنگ



یک فوق‌ستاره بود و با نقش‌های ماندگار و حضور تأثیرگذارش بر پرده نقره‌ای و صفحه تلویزیون، برای چند نسل به چهره‌ای ماندگار و خاطره‌ساز تبدیل شد. دایره حضور عبدی به وسعت جهان کمدی است تا دنیای تراژدی. یعنی یک دایره بسیار گسترده که لفظ کمدین درباره او صادقانه و واقع‌بینانه است. یعنی کمدین کسی است که هم در دنیای کمدی و هم در دنیای تراژدی، به‌عنوان یک ستاره و فوق‌ستاره همواره می‌درخشد و حضور دارد. بازی‌های اکبر عبدی همواره از یک قریحه ذاتی برخوردار بود. بی‌شک فقدانش به‌عنوان یک هنرمند خودساخته و ارزشمند سینمای کشور، مصیبتی بزرگ است. این مصیب بزرگ را باید به جامعه سینمایی و خانواده نازنینش تسلیت گفت. ما واقعاً درباره اکبر عبدی چه می‌توانیم بگویم. فقط خطاب به او می‌توانیم بگویم، اکبر جان، آقای اکبر عبدی، هرگز نام مبارکت از لوح ذهن و دل‌مان پاک نخواهد شد و همواره در یادمان خواهی ماند. واقعاً چقدر سخت است درباره اکبر عبدی صحبت کردن!...

🔴 **به‌نظر از دو سبک متفاوت بازی می‌آمدید اما در چند فیلم و سریال با هم بازی داشتتید. درباره این همکاری بگویید**

اولین همکاری من و اکبر عبدی در سریالی بود که برای گروه کودک و نوجوان تهیه شده بود، به اسم «سلامتی چه خوبه؟» که در این سریال من و او در یک قاب قرار می‌گرفتم و پیام‌ها و مسائل بهداشتی را با اجرای نمایش برای بچه‌ها مطرح می‌کردیم. آخرین همکاری‌مان هم در یک سریال بود به اسم «چوب خط» که به مناسبت نوروز کار کردیم و در سال ۱۳۹۹ از شبکه سوم پخش شد. در بین این دو نقطه و دو کار از اولین تا آخرین همکاری ما، مجموعه متنوعی وجود دارد که مشخص‌ترین و بارزترین و شاید شناخته‌ترتینش کارمان، فیلم «پاک‌خانه» محصول ۱۳۷۴ است. این فیلم همان داستان دزد و پاسبان است که اکبر نقش پاسبان را بازی می‌کرد و من دزد!... فیلم را آقای غلامحسین لطفی ساخت و حسین فرح‌بخش هم تهیه‌کننده آن بود. یکی دیگر از فیلم‌های شاخصی که با





نقد: سینمای ایران

## توهم متفاوت بودن

درباره فیلم استخر آخرین ساخته سروش صحت



عدنان شاه‌طلایی

منتقد

سروش صحت در سینمای ایران فیلم‌سازی است که پیش از هر چیز، با نگاه انسانی و جهان‌خاص خود شناخته می‌شود؛ فیلم‌سازی که

علاقه‌اش به آدم‌های شکست‌خورده، موقعیت‌های نامتعارف و لحظه‌های کوچک اما مهم زندگی، بخشی از امضای او شده است. در فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» توانسته بود جهانی خلق کند که شاید از واقعیت روزمره فاصله داشت، اما منطق عاطفی و انسانی خودش را پیدا کرده بود. شخصیت‌ها در آن فیلم، حتی در اغراق‌ها و رفتارهای عجیب آنان، ریشه‌ای قابل لمس داشتند و تماشاگر می‌توانست تهایی، ترس رفاقت و سرگشتگی آنها را درک کند. اما «استخر» مسیر دیگری را انتخاب می‌کند، مسیری که قرار است متفاوت باشد، قواعد آشنا را کنار بزند و از قالب‌های معمول روایت در سینمای ایران، فاصله بگیرد. مسئله اصلی این فیلم اما از همین نقطه آغاز می‌شود: تفاوت، زمانی ارزشمند است که نتیجه یک ضرورت هنری باشد، نه زمانی که از ابتدا به‌عنوان هدف اعلام شود. گاهی فیلمی آنقدر تلاش می‌کند متفاوت بنظر برسد که فراموش می‌کند پیش از هر چیز باید یک روایت منسجم، شخصیت‌های باورپذیر و جهانی قابل‌فهم برای تماشاگر بسازد. مشکل این فیلم شاید همین توهم متفاوت بودن باشد؛ توهمی که تصور می‌کند با شکستن فرم‌های رایج با قرار دادن شخصیت‌هایی خارج از الگوهای معمول، خود به‌خود از کلیشه فاصله گرفته است. درحالی که کلیشه‌ها همیشه در شکل ظاهری روایت حضور ندارند؛ گاهی در نگاه فیلم به انسان، جامعه و روابط پنهان هستند. فیلم استخر با موقعیتی آغاز می‌شود که ظرفیت دراماتیک قابل‌توجهی دارد. شخصیت «امین حیایی» را با پسرش، در حال تماشای فوتبال می‌بینیم؛ لحظه‌ای ساده و روزمره که می‌تواند نشانه‌ای از فاصله عاطفی

میان او و همسرش که همان‌جا نشسته است، باشد. همسرش با بازی «سحر دولتشاهی»، به دلیل بی‌توجهی‌های مداوم و دیدندشتن خواسته‌هایش، تصمیم به جدایی می‌گیرد. این آغاز می‌توانست زمینه‌ساز روایتی دقیق درباره فرسایش یک رابطه تهایی آدم‌ها و ناتوانی آنها در گفت‌وگو باشد. اما فیلم به‌جای آنکه این بحران مرکزی را به عمق بررد، به‌تدریج میان شخصیت‌ها و موقعیت‌های فرعی پرانکند می‌شود. گویی ایده‌های متعدد، فرصت نمی‌دهند داستان اصلی نفس بکشد. «استخر» منطقی و آرام از یک بحران به سوی کشفی تازه حرکت نمی‌کند، اما مدام تلاش می‌کند عناصر جدیدی وارد کند تا خود را متفاوت‌تر جلوه دهد. حضور بازیگر نقش پسر «امین حیایی» یکی از نمونه‌های این مسئله است. فیلم «استخر» ظاهراً می‌خواهد از طریق او تصویری از نسل جدید ارائه دهد؛ نسلی که کمتر به قواعد گذشته پایبند است. او فاصله‌ای با ارزش‌های نسل قبل دارد، اما مشکل اینجاست که یک نسل را نمی‌توان تنها با چند رفتار ناموافق با بزرگ‌تراها حتی اگر عصیانگر هم باشد، تعریف درستی از آن ارائه داد. نسل‌ها محصول شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی هستند. هر نسل حتی در شورش و مخالفت خود، به یک زمینه واقعی

تعلق دارد. در «استخر» این شخصیت بیشتر شبیه یک نشانه بیرونی از «نسل جدید» است تا انسانی که زندگی، گذشته تضاد و جهان شخصی خودش را داشته باشد. فیلم می‌خواهد درباره یک نسل حرف بزند، اما به‌جای ساختن یک شخصیت، یک مفهوم را وارد داستان می‌کند. همین مسئله درباره حضور مه‌ران مدیری نیز مطرح است. او بازیگر توانایی است. اما در یک فیلم، هیچ بازیگری نباید تنها به دلیل جذابیت شخصی خود، حضور داشته باشد. پرسش اساسی این است که این شخصیت چه چیزی به قصه اضافه می‌کند؟ چه تغییری در مسیر روایت ایجاد می‌کند؟ آیا بدون حضور او، فیلم ناقص می‌شود؟ اگر پاسخ روشن نباشد، شخصیت تبدیل به عنصری جدا از بدنه اصلی اثر خواهد شد. شخصیت پدربزرگ با حضور بازیگر توانمندی چون «علیرضا خسمه» و موضوع علاقه‌اش به کارگر باغ ویلا نیز با همین مشکل روبه‌روست. ایده چنین رابطه‌ای در ظاهر می‌تواند ظرفیت انسانی و حتی شاعرانه داشته باشد، اما سینما فقط با طرح یک موقعیت شکل نمی‌گیرد؛ باید مسیر شکل‌گیری احساس و رابطه را نشان دهد. تماشاگر باید بفهمد چرا این علاقه شکل گرفته، نه اینکه فقط با نتیجه آن روبه‌رو شود. فاصله میان «ایده جذاب» و «پرداخت سینمایی» همان فاصله‌ای است که در بخش‌هایی از «استخر» احساس می‌شود. کارگردان استخر می‌خواهد در اینجا علیه روایت‌های آشنا حرکت کند، اما گاهی فراموش می‌کند که حتی روایت‌های غیرمتعارف نیز به یک نظم درونی نیاز دارند. ساختارشکنی بدون شناخت دقیق ساختار، ممکن است به پراکندگی منجر شود. فیلمی که می‌خواهد قواعد را بشکند، ابتدا باید جهانی بسازد که قواعد خودش را داشته باشد. فیلم از این جهت گرفتار تناقض است: هم می‌خواهد از کلیشه‌ها فاصله بگیرد و هم گاهی برای ایجاد جذابیت به همان ابزارهای آشنا تکیه می‌کند. هم می‌خواهد تجربه‌ای متفاوت باشد و هم به نشانه‌هایی از سینمای معمول چشم دارد. نتیجه، اثری است که بیش از آنکه یک جهان تازه خلق کند، درباره میل به خلق یک جهان تازه حرف می‌زند. تفاوت بزرگ

استخر با صبحانه با زرافه‌ها در همین نقطه است. در فیلم قبلی، عجیب بودن شخصیت‌ها و موقعیت‌ها از دل جهان فیلم بیرون می‌آمد؛ اما در استخر گاهی احساس می‌شود که متفاوت بودن تبدیل به یک هدف مستقل شده است. فیلم ما را برای کشف انسان‌ها دعوت نمی‌کند؛ بیشتر می‌خواهد ثابت کند که شبیه فیلم‌های دیگر نیست. در هر حال، فیلم استخر مسئله کمبود ایده ندارد؛ اتفاقاً از ایده خالی نیست، مشکل در جابه‌جایی این ایده‌ها به یک روایت منسجم است. جامعه‌ای که این فیلم ترسیم می‌کند، جامعه‌ای است که مرزها و جهت حرکتش چندان روشن نیست، اما خود فیلم نیز نمی‌تواند از این بی‌جهتی، معنای مشخصی استخراج کند. هر سینماگر و فیلم‌سازی حتی در دوره‌ای که به‌دنبال تجربه‌های متفاوت و تازه است، نیاز دارد میان آزادی فرم و ضرورت روایت، تعادل برقرار کند. شاید استخر تلاش می‌کند خلاف جریان حرکت کند، اما خلاف جریان به‌تتهایی نشانه موفقیت نیست. سینما فقط با متفاوت بودن ساخته نمی‌شود؛ با نگاه، روایت و درک عمیق انسان ساخته می‌شود. ما ممکن است از تجربه‌های تازه سینمایی استقبال کنیم، اما هر تجربه‌ای الزاماً به یک اثر ماندگار تبدیل نمی‌شود. گاهی یک فیلم تصویری از تلاش برای ساختن آن جهان ارائه می‌دهد و فاصله میان این دو، همان فاصله‌ای است که استخر

را از اثری درحد انتظار از «سروش صحت» دور می‌کند.

ندارد. گاه با کت‌وشلوار، قرارداد، نفوذ و مناسبات اداری کار می‌کند. این همان لحظه‌ای است که رمان از نقد جنگ به نقد ساختار می‌رسد: ساختاری که می‌تواند بی‌آن‌که صدای انفجار شنیده شود، همان بی‌رحمی سابق را ادامه دهد.

**طنز، به‌مثابه ابزار شناخت**

یکی از ظرفیت‌ترین هنرهای لومتر در این رمان، استفاده از طنز است؛ طنزی نه برای سبک کردن فاجعه، بلکه برای مرئی کردن ابتذال هولناک جهان پساجنگ. «دیدار به قیامت»، با همه تیرگی‌اش، در سوگو یک‌دست و موقر فرو نمی‌رود. برعکس، نو یسنده به‌خوبی می‌فهمد که بخشی از حقیقت این جهان، در مضحک بودن آن نهفته است. همین طنز تلخ است که رمان را از دام احساسات‌گرایی نجات می‌دهد. لومتر به‌جای آن‌که صرفاً آندوه بیافریند، سازوکار آندوه را نیز افشا می‌کند. این‌جاست که ثر او هم‌زمان بُرنده و زنده می‌شود. ترجمه فارسی زندیاد مرتضی کلاتریان، سهمی جدی در دریافت درست این رمان دارد. «دیدار به قیامت» متنی نیست که بتوان تنها با انتقال معنا به آن نزدیک شد. قدرت آن در لحن، در تغییر ریتم، در رفت‌وآمد پیوسته میان هجو و حسرت و شتاب روایی نهفته است. ترجمه کلاتریان از این آزمون دشوار سربلند بیرون آمده است. فارسی او هم روان است، هم دقیق و پخته و هم توانسته آن تلخی کنترل‌شده و آن کایه اجتماعی متن را بازآفرینی کند.

**رمانی علیه فراموشی**

«دیدار به قیامت» را می‌توان رمانی دربارهٔ پایان توهم‌ها دانست: پایان توهم افتخار، پایان توهم بازگشت، و پایان توهم این‌که ملت با قربانیانش رابطه‌ای صادقانه دارد. آن‌چه در نهایت از این کتاب باقی می‌ماند، نه فقط داستان دو مرد زخمی، بلکه تصویری از جامعه‌ای است که ترجیح می‌دهد به‌جای روبه‌رو شدن با حقیقت زخم، آن را در تشریفات، سنگ‌تراشی و زبان رسمی دفن کند. لومتر به ما یادآوری می‌کند که جنگ، حتی وقتی تمام می‌شود، می‌تواند به اشکال دیگر بازگردد. به شکل نظم. به شکل یادبودی که بیش از آن‌که به مردگان وفادار باشد، به نیاز زندگان برای فراموشی خدمت می‌کند. و شاید همین است تلخ‌ترین کشف «دیدار به قیامت»: جنگ همیشه با آخرین گلوله تمام نمی‌شود. گاهی وقتی توپ‌ها خاموش می‌شوند، تازه نوبت حساب‌وکتاب می‌شود.



**کلاهدرداری به‌مثابه حقیقت معکوس**

نقشه‌ای که آلبِر و ادوار برای فروش یادمان‌های جنگی خیالی می‌کشند، در سطح داستانی، یک کلاهدرداری است؛ اما در سطح تمثیلی، یکی از تیزترین لحظه‌های رمان. این طرح، در واقع، نسخهٔ معکوس و عریان‌شدهٔ همان کاری است که جامعهٔ رسمی با سوگواری می‌کند. این‌جا لومتر دست به ساده‌سازی اخلاقی نمی‌زند. او نه آلبِر و ادوار را تبرئه می‌کند، نه فساد ساختاری را بهانه‌ای برای تقدیس جرم می‌سازد. در جهانی که از رنج، سرمایه می‌سازد، قانون همیشه هم‌معنای عدالت نیست. کلاهدرداری ایسن دو، اگرچه عملی مجرمانه است، آیندای نیز هست که فساد مشروعه‌شدهٔ جامعه را بازمی‌تاباند. از همین منظر، رمان عملاً می‌پرسد: در نظم پساجنگ، رسواترین چهره‌ها چه کسانی‌اند؟ آن‌هایی که در حاشیه و از سر استحصال دست به فریب می‌زنند، یا آن‌هایی که در مرکز و با مُهر قانون، مرگ را اداره و مصرف می‌کنند؟

**تداوم خشونت با ابزارهای تازه**

در کنار این دو بازمانده، پرادل ایستاده است؛ شخصیتی که شاید بیش از هرکس دیگر، پیوند جنگ و صلح را در رمان مجسم می‌کند. او چهرهٔ عریان آن منطقی است که انسان را مادهٔ خام قدرت می‌بیند. اگر آلبِر و ادوار بازماندگان شکست‌اند، پرادل بازماندهٔ موفق همان ماشین بی‌رحم است. اهمیت پرادل در این است که نشان می‌دهد خشونت همیشه نیاز به یونیفورم و گلوله

میل به پنهان کردن واقعیت جنگ آشکار می‌شود. در این‌جا، رمان به ساحت عمیق‌تری وارد می‌شود: مسألهٔ فقط مجروحان نیستند، بلکه شیوه‌ای است که جامعه با آن‌ها نگاه می‌کند. «دیدار به قیامت» نشان می‌دهد که طرد بازماندگان، فقط اقتصادی یا اداری نیست؛ امری دیداری و نمادین هم هست. آن‌چه حذف می‌شود، خود یادآوری انضمامی جنگ است: بدنی که دیگر نمی‌توان آن را درون افسانه مین جا داد.

**تجارت سودآور مرگ**

لومتری که در این رمان می‌بینیم، نویسندهٔ روابط پنهان قدرت است. او خوب می‌داند که پس از هر فاجعه‌ای، تنها سوگواری به‌جا نمی‌ماند؛ بازار هم از راه می‌رسد. یکی از درخشان‌ترین لایه‌های رمان، همین نشان دادن صنعت پساجنگ است: صنعت قبر، تابوت، انتقال اجساد، یادمان‌ها، قرارداده‌ها و مراسم. یعنی همان‌جا که ظاهراً املت مشغول ادای احترام به قربانیان است، سازوکاری اقتصادی نیز بی‌صدا در حال کار کردن است. جملهٔ محوری رمان -این‌که جنگ برای تجارت بسیار سودآور است، حتی پس از پایان آن- درواقع نه یک طعنهٔ صرف، بلکه چکیدهٔ جهان‌بینی اثر است. لومتر از خلال این بینش نشان می‌دهد چگونه سرمایه‌داری می‌تواند از دل سوگواری، کالایی تازه بیرون بکشد. یادبود، اگرچه ظاهری اخلاقی دارد، همیشه معصوم نیست. گاه چیزی نیست جز شکل آبرومند همان منطق بهره‌کشی که پیش‌تر در میدان نبرد عمل می‌کرد.

اکبر عبدی کار کردم، فیلم «قاعده بازی» محصول سال ۱۳۸۵ ساخته احمدرضا معتمدی بود که متأسفانه چون حجم فیلم بالاتر از زمان سینمایی بود، نسخه کوتاه شده‌اش به نمایش درآمد و آنطور که باید دیده نشد. قاعده بازی، یک کمدی بسیار خلاق و آموزنده بود که به‌اندازه لیاقتش مورد توجه قرار نگرفت. من و اکبر یک تله‌فیلم هم در سال ۱۳۹۱ کار کردیم به اسم «داستان عوضی» که فریدون جیرانی کارگردانش بود. یک سریال دیگر هم در سال ۱۳۷۸ برای نوروز با هم بازی کردیم، به اسم «هتل پیاده‌رو» به کارگردانی بهمن زرین‌پور و... یادش بخیر.

**این روزها فیلم «استخر» به کارگردانی سروش صحت و با بازی شماروی پرده است.**

**چه شد در این فیلم حضور پیدا کردید؟**

در مورد فیلم «استخر» باید بگویم سال‌هاست که با سروش صحت دوست هستم و ایشان را بسیار دوست دارم. همیشه خیلی مایل بودم که با او همکاری کنم اما در این سال‌ها دایره ارتباط ما از دوستی فراتر نرفت تا اینکه سال گذشته در چنین ایامی، تماس گرفت و گفت شخصیتی را براساس ویژگی‌ها و شخصیت خودتان نوشته و دوست دارم که کار کنید. تهیه‌کننده این فیلم هم محمد شایسته از تهیه‌کنندگان خوب سینماست که با او دوستی دارم. گروه و مجموعه بازیگران هم عالی بود... در امین حیایی تا پسر خود سروش، همه دوست‌داشتنی بودند. شرایط کار طوری بود که هرکسی چون من که دنیای سروش صحت را دوست دارد و با آن آشناست، راغب و مایل به حضور در این فیلم می‌کرد. خوشبختانه نقش‌ام در استخر، خوب از آب درآمده و خود فیلم هم با استقبال ویژه‌ای روبه‌رو شده است. به دوستانی که فیلم را هنوز ندیده‌اند، پیشنهاد می‌کنم که حتماً به سینما بروند و فیلم را ببینند. **شاید بتوان کارنامه کاری شما را به دو بخش تقسیم کرد: از ابتدا تا دهه هفتاد**

**گویا شما بیشتر تمایل دارید یک کم‌دین مؤلف باشید اما از جایی، انگار تبدیل**

**به بازیگری تجربه‌گرا شده‌اید که نقش‌ها و تیپ‌های متفاوت‌تری را بازی کرد.**

**نظراتان در این باره چیست؟**

اینکه می‌گوئید مسیر حرفه‌ای من دو قسمت است؛ نظر شماست اما خودم معتقدم که کارنامه کاری من به دو دوره تقسیم نمی‌شود. از زمان حضورم در دنیای بازیگری تا اکنون، همواره بازیگری تجربه‌گرا بودم و دوست داشتم در عرصه‌های مختلف تئاتر و تلویزیون و سینما با قبول نقش‌های مختلف، کارهای متنوع انجام بدهم. از کارهایی که مورد اقبال عموم قرار گرفت و مردم به‌یاد دارند، اولی در همان شروع کارم یک سریال کودکان به‌نام «هوشیار و بیدار» بود که نقش یک بچه را بازی کردم و آخرین نقشی که خیلی از مردم آن را حتماً می‌شناسند یک پیر مرد ۸۰ساله آلزایمری به اسم باباپنجعلی در سریال پایتخت بود. همه این نقش‌ها در ادامه نیازم به تجربه‌گرایی و آزمودن خودم در این حرفه بوده است. هیچگاه فکر نکرده و نمی‌کنم که به درجه‌ای از کمال رسیده‌ام که مؤلف هستم، بلکه همواره همان بازیگر تجربه‌گرا خواهم بود.

**شما یکی از ستاره‌های اصلی سینمای کم‌دی دهه ۶۰ و ۷۰ بودید و کماکان در سال ۱۴۰۵ نیز روی پرده حضور دارید. به‌عنوان یک کم‌دین بازی در کم‌دی‌های ساده و معصومانه دهه ۶۰ را ترجیح می‌دهید یا بازی در فیلم‌های پیچیده و پرزرق و**

**برق امروزی...؟**

سینما تابعی از متغیرهاست. یکی از این متغیرها، اسمش جامعه است. جامعه دهه



۶۰ با جامعه دهه ۹۰ و صده بعد که به آن می‌گوئیم ۱۴۰۰ خیلی متغیر و دگرگون و تغییر یافته است. این جامعه خیلی نسبت به آن زمان تغییر کرده است. سینما هم از این موضوع مستثنا نیست و تغییر کرده است. واقعیت این است که در دهه ۶۰ صداقت و صمیمت و ارتباط خانوادگی بیشتر بود و خانواده اهمیت بیشتری داشت به همین خاطر فیلم‌هایی مثل اجازه‌نشین‌ها و آیات‌مان شماره ۱۳ و فیلم‌های دیگری که خودم کار کردم مانند «عیب‌برها به بهشت نمی‌روند» یا «مهریه بی‌بی» همه حکایت از دنیای خانوادگی و صمیمی داشت که ارتباطات انسانی در آن پررنگ بود. اکنون اما همه سرشان توی گوشی است و حتی بین اعضای خانواده نیز ارتباط کلامی یا حتی از طریق چشم ردوبدل نمی‌شود. طبیعتاً سینما هم وارد دنیای جدیدی شده است.

**جامعه ایران معاصر، حوادث و رویدادهای بزرگ و دشواری را پشت‌سر گذاشته است. این روزها نیز جامعه بعد از عبور از حوادث اجتماعی و سپس جنگ، حال و هوای متفاوتی را سپری می‌کند. به‌عنوان یک شهروند و سپس یک کم‌دین، برخوردتان با این شرایط چگونه است؟**

در حال حاضر با یک جامعه کاملاً آفسرده و ناامید و بی‌قرار و مضطرب روبه‌رو هستیم. من هم به‌عنوان عضوی از جامعه، درصدم هستم امید و نشاط و شادی را به زندگی خودم و خانواده‌ام برگردانم و یک‌جوری برای خانواده خودم و دیگر خانواده‌های ایرانی، بتوانم سرمشق باشم. رشته زندگی ما گاهی آنقدر باریک شده که به مو رسیده اما به مدد خداوند پاره نشده است. ما البته پشت و پناه داریم و آن خداوند است. این جامعه با همه بحران‌هایی که پشت‌سر گذاشته و پشت‌سر می‌گذارد به آینده بهتر و روشن‌تری خواهد رسید. من کاملاً به این موضوع ایمان دارم و تلاش می‌کنم به جامعه امید بدهم. متأسفانه جنگ و تحریم و گرانی کم‌رشدن به‌خصوص برای مسئولان و سرپرست‌های خانواده خیلی شرایط سختی را به‌وجود آورده است و این باعث می‌شود کودکان و نوجوانان و همسران و دختران‌مان هم آسیب ببینند. امیدوارم بتوانیم با خودسازی و امیدپروری در قلب‌مان، از این روزهای بحرانی و سیاه عبور کنیم.



#### دیدگاه: یادداشت اقتصادی

### سنگینی بزرگان بر دوش بورس

#### خریداران چگونه بازار را تسخیر کردند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

صبح چهارشنبه، تالار شیشه‌ای با چهره‌ای مردود معاملات را آغاز کرد. در دقائق ابتدایی، فروشندگان دست بالا را داشتند و بسیاری از معامله‌گران ترجیح دادند پیش از هر تصمیمی، بخشی از سودهای روزهای گذشته را ذخیره کنند. اما هرچه ساعت جلوتر رفت، فضای بازار تغییر کرد. خریداران آرام‌آرام به میدان بازگشتند، صف‌های فروش کوچک‌تر شد و بسیاری از نمادها رنگ سبز به خود گرفتند. با این حال بار سنگین نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز اجازه نداد، شاخص کل از محدوده منفی خارج شود. نتیجه آن بود که در پایان روز، شاخص کل قرمز ماند اما بخش بزرگی از بازار روزی متفاوت را تجربه کرد؛ گویی بورس دیروز دو روایت هم‌زمان داشت؛ یکی روایت افت شاخص کل و دیگری روایت مقاومت سهام کوچک و متوسط. معاملات بورس تهران در روز چهارشنبه هفتم مرداد ۱۴۰۵ در فضایی محتاطانه آغاز شد. بخشی از فعالان بازار که طی روزهای اخیر شاهد رشد قیمت‌ها بودند، ترجیح دادند با شناسایی سود، عرضه‌های خود را افزایش دهند. این فشار فروش در ابتدای معاملات باعث شد، شاخص کل با افت محسوسی مواجه شود. اما برخلاف ساعات اولیه، در ادامه بازار متعادل‌تر شد و تقاضا در بسیاری از نمادها افزایش یافت؛ موضوعی که از شدت افت بازار کاست و تصویر متفاوتی از نیمه دوم معاملات ارائه داد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس با افت ۳۳ هزار و ۹۱۳ واحدی معادل ۰.۶۶ درصد، در ارتفاع ۵ میلیون و ۷۵ هزار واحد ایستاد. در مقابل، شاخص هم‌وزن که تصویری دقیق‌تر از وضعیت عمومی سهام ارائه می‌دهد ۶ هزار و ۲۵۵ واحد معادل ۰.۴۴ درصد رشد کرد و به سطح یک میلیون و ۴۳۲ هزار واحد رسید. اختلاف مسیر این دو شاخص نشان می‌دهد، فشار فروش عمدتاً بر دوش شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز بوده درحالی که بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط توانسته‌اند، عملکرد مثبتی ثبت کنند. رفتار معامله‌گران نیز مؤید همین موضوع بود.

کاهش ارزش معاملات معمولاً نشانه‌ای از احتیاط معامله‌گران و کاهش تمایل آنها به پذیرش ریسک است. از سوی دیگر در پایان معاملات دو هزار و ۲۰۴ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. این خروج سرمایه نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران خرد همچنان ترجیح می‌دهند در شرایط کنونی از بازار فاصله بگیرند یا منابع خود را به دارایی‌های کم‌ریسک‌تر منتقل کنند. سرانه خرید حقیقی‌ها ۷۹.۱ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۱۰۸.۷ میلیون تومان ثبت شد و نسبت قدرت خرید حقیقی‌ها به منفی ۱.۳۸ رسید؛ آماري که همچنان از برتری فروشندگان حقیقی نسبت به خریداران کلیت‌ت‌ دارد. هم‌زمان صندوق‌های درآمد ثابت با ورود ۷۷۹ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. این جابه‌جایی سرمایه، نشانه‌ای از افزایش احتیاط در میان سرمایه‌گذاران است. زمانی که بخشی از منابع از سهام به صندوق‌های با درآمد ثابت منتقل می‌شود معمولاً می‌توان نتیجه گرفت که فعالان بازار ترجیح می‌دهند تا روشن‌تر شدن چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی، بازدهی مطمئن‌تر را به پذیرش ریسک بیشتر ترجیح دهند. با این حال بررسی تابلوی معاملات تصویر امیدوارکننده‌تری نسبت به شاخص کل ارائه می‌دهد. در پایان دادوستدها ۴۷۶ نماد در محدوده مثبت و ۳۳۲ نماد در محدوده منفی قرار داشتند. این آمار نشان می‌دهد اکثریت سهام حاضر در بازار، روز مثبتی را پشت سر گذاشته‌اند و افت شاخص کل بیش از هر چیز نتیجه عملکرد چند نماد بزرگ بوده است. برتری تقاضا در سفارش‌های پایانی نیز این برداشت را تقویت می‌کند. ارزش سفارش‌های خرید به ۵ هزار و ۶۱۹ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۳ هزار و ۲۲۸ میلیارد تومان بود. همچنین ۲۹۱ نماد با صف خرید و تنها ۱۱۱ نماد با صف فروش معاملات را به پایان رساندند. این تفاوت نشان می‌دهد که در بخش قابل‌توجهی از بازار، تمایل خریداران همچنان بیشتر از فروشندگان بوده است. مجموعه این نشانه‌ها حاکی از آن است که بورس تهران در حال عبور از یک مرحله حساس است. از یک‌سو، فشار فروش در نمادهای بزرگ و ادامه خروج پول حقیقی اجازه نمی‌دهد، شاخص کل وارد یک روند صعودی قدرتمند شود. از سوی دیگر، مقاومت سهام کوچک و متوسط، برتری تعداد نمادهای مثبت، افزایش صف‌های خرید و کاهش فشار فروش در نیمه دوم معاملات، نشان می‌دهد که بدنه بازار همچنان از ظرفیت رشد برخوردار است. اگر در روزهای آینده جریان خروج سرمایه متوقف شود و ارزش معاملات دوباره افزایش یابد، می‌توان انتظار داشت که شکاف میان شاخص کل و شاخص هم‌وزن کاهش پیدا کرده و موج تقاضا به نمادهای بزرگ نیز سرایت کند. اما تا آن زمان، بورس همچنان بازاری دوچهره خواهد بود؛ بازاری که زیر سایه سنگین شرکت‌های بزرگ، بخش قابل‌توجهی از سهام آن همچنان در مسیر متفاوتی حرکت می‌کنند.

## توسعه

#### ادامه تیتیر یک

# رئیس کل زیر ضرب

در نتیجه، بخشی از فشارهایی که در ماه‌های اردیبهشت و خرداد بر بازارها وارد شده بود، کاهش یافت و رشد قیمت‌ها نیز آهسته‌تر شد. بیشترین اثر این تحول در بازار مواد غذایی دیده شد. تورم ماهانه خوراکی‌ها از ۸.۷ درصد در خرداد به تنها ۱.۸ درصد در تیر رسید. یعنی پایین‌ترین نرخ در ۱۴ ماه گذشته. این کاهش نشان می‌دهد، شوک ناشی از اختلال در واردات، افزایش هزینه حمل‌ونقل و نگرانی از کمبود کالا تا حد زیادی تخلیه شده است. اما این تصویر، روی دیگری نیز دارد. در بخش خدمات، نه‌تنها خبری از کاهش فشارهای قیمتی نبود بلکه تورم نقطه‌به‌نقطه از ۴۵.۷ به ۴۸ درصد افزایش یافت. خدمات به دلیل وابستگی بیشتر به دستمزدها، اجاره‌بها و سایر هزینه‌های داخلی بسیار کندتر از کالاها به تحولات سیاسی واکنش نشان می‌دهند. همین چسبندگی قیمت‌ها باعث شده که حتی با افت تورم ماهانه، تورم عمومی همچنان در سطوحی بسیار بالا باقی بماند.

#### دشواری‌های همتی بودن

اگر کاهش تورم ماه تیر تنها نتیجه عملکرد سیاست پولی بود شاید می‌شد آن را نشانه آغاز یک روند پایدار دانست. اما واقعیت این است که رئیس کل بانک مرکزی امروز با مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان روبه‌روست که بخش قابل‌توجهی از آنها خارج از حوزه اختیار سیاستگذار پولی قرار دارند. نخستین مانع، رشد بی‌سابقه نقدینگی است. عبدالناصر همتی در همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۵» اعلام کرد رشد نقطه‌به‌نقطه نقدینگی در خرداد به ۵۶ درصد رسیده که براساس آمارهای موجود، بالاترین نرخ رشد نقدینگی از سال ۱۳۵۳ تاکنون محسوب می‌شود. وقتی چنین

حجمی از پول وارد اقتصاد می‌شود، بانک مرکزی ناچار است هم‌زمان هم با تورم بجنگد و هم مراقب باشد که سیاست‌های انقباضی، اقتصاد را وارد رکود عمیق‌تر نکند. مانع دوم، کسری بودجه دولت است. تا زمانی که هزینه‌های جاری دولت با درآمدهای پایدار همخوانی نداشته باشد، فشار برای تأمین مالی کسری بودجه یر یا زود به سمت شبکه بانکی و پایه پولی منتقل می‌شود. در چنین شرایطی حتی سختگیرانه‌ترین سیاست‌های پولی نیز نمی‌توانند به تنهایی تورم را مهار کنند. سومین چالش ریسک‌های ژئوپلیتیک است. تجربه ماه‌های اخیر نشان داد که هر بار تنش‌های منطقه‌ای افزایش یافته، نرخ ارز، هزینه واردات، هزینه حمل‌ونقل و انتظارات تورمی نیز جهش کرده‌اند. ماه تیر تنها به این دلیل آرام‌تر بود که فضای سیاسی برای مدتی کوتاه از التهاب فاصله گرفت. اما با

#### دیدگاه: تحلیل اقتصادی

## نشانه‌های آرامش

### آیا بازار نفت به روزهای پیش از جنگ بازمی‌گردد؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

اگر اقتصاد خاورمیانه را به موتور انرژی جهان تشبیه کنیم، جنگ ماه‌های گذشته باعث شد این موتور برای مدتی با نبمی از توان خود کار کند. حملات نظامی، ناامنی در مسیرهای کشتیرانی، محاصره دریایی و اختلال در صادرات، تولید نفت بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را به پایین‌ترین سطوح چند سال اخیر رساند. اکنون با کاهش نسبی تنش‌ها، این موتور دوباره روشن شده است اما هنوز با دور کامل کار نمی‌کند. تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد، تولید نفت کشورهای منطقه در ماه جولای افزایش یافته اما کارشناسان معتقدند، بازگشت به سطح تولید پیش از جنگ دست‌کم تا اوایل سال ۲۰۲۷ زمان خواهد برد. داده‌های مؤسسه کپلر نشان می‌دهد تقریباً همه تولیدکنندگان بزرگ منطقه در ماه جولای نسبت به ماه‌های قبل افزایش تولید داشته‌اند. عربستان سعودی همچنان

### بررسی تحولات اقتصادی

تورم تیرماه بیش از آنکه آغاز یک روند پایدار باشد، وقفه‌ای موقت در مسیر افزایش قیمت‌هاست. در سوی دیگر، اقتصاد با یک تهدید کمتر دیده‌شده نیز مواجه است. کاهش تقاضای روزانه ارز به حدود ۵۰ میلیون دلار در نگاه نخست ممکن است، نشانه آرام‌تر شدن بازار ارز تلقی شود اما بخش مهمی از این افت به کاهش واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و تجهیزات تولید بازمی‌گردد. محاصره دریایی و اختلال در زنجیره تأمین باعث شده بسیاری از بنگاه‌ها نتوانند مواد اولیه مورد نیاز خود را تأمین کنند. نتیجه این وضعیت، کاهش ظرفیت تولید و شکل‌گیری شوک عرضه است که می‌تواند در ماه‌های آینده دوباره فشار بر قیمت‌ها را افزایش دهد. در چنین شرایطی، بانک مرکزی نیز با محدودیت‌های فراوانی روبه‌روست. سیاست پولی می‌تواند، بخشی از انتظارات تورمی را مدیریت کند یا از شدت نوسانات بازار ارز بکاهد اما به تنهایی قادر به جبران آثار کسری بودجه، محدودیت‌های تجاری و اختلال در تولید نیست. هرچه فشار بر سمت عرضه بیشتر شود، هزینه مهار تورم نیز افزایش خواهد یافت. به همین دلیل آینده اقتصاد ایران بیش از هر چیز به دو متغیر گره خورده است؛ نخست، ثبات در روابط خارجی و کاهش محدودیت‌های تجاری که می‌تواند، جریان واردات مواد اولیه و صادرات را احیا کند و دوم اصلاحات مالی که سرعت رشد نقدینگی و کسری بودجه را کاهش دهد. در غیر این صورت، اقتصاد ممکن است با ترکیبی از رشد ضعیف، تولید محدود و تورم بالا مواجه شود؛ وضعیتی که مهار آن از توان بانک مرکزی

به‌تنهایی خارج است و نیازمند هماهنگی همه سیاست‌های اقتصادی کشور خواهد بود. در چنین شرایطی، نقش رئیس کل بانک مرکزی بیش از آنکه شبیه یک معمار باشد به مدیر بحران شباهت دارد. او نمی‌تواند منشأ همه بحران‌ها را از بین ببرد. تنها می‌تواند، سرعت انتقال آنها به بازار پول و قیمت‌ها را کاهش دهد. درست مانند کسی که با چیدن کیسه‌های شن، تلاش می‌کند، شدت خسارت سیلاب را کمتر کند نه اینکه اصل سیلاب را متوقف کند. به عقیده اقتصاددانان، آمارهای ماه تیر یک پیام روشن دارند؛ کاهش تنش‌های سیاسی می‌تواند در کوتاه‌مدت سرعت رشد قیمت‌ها را کاهش دهد اما این اتفاق به‌معنای درمان

بیماری مزمن تورم نیست. تا زمانی که رشد نقدینگی، کسری بودجه، نااطمینانی‌های سیاسی و محدودیت‌های تجاری پابرجا باشند هر کاهش موقت تورم می‌تواند با بازگشت یک شوک سیاسی یا مالی از بین برود. به همین دلیل نباید افت تورم ماهانه ماه تیر را به منزله پایان بحران تعبیر کرد. بانک مرکزی در بهترین حالت توانسته از شدت موج تورمی بکاهد اما برای خشکاندن ریشه‌های تورم، همکاری سیاست مالی، انضباط بودجه‌ای، ثبات در روابط خارجی و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیک ضروری است. تا آن زمان، رئیس کل بانک مرکزی همچنان در موقعیتی قرار دارد که بیش از آنکه فرصت ساختن داشته باشد، ناچار است هر روز از گسترش خسارت‌های سیلی جلوگیری کند که از چندین جبهه به اقتصاد ایران هجوم آورده است.

کشتیرانی، قراردادهای بیمه و سرمایه‌گذاری‌های جدید معمولاً با تأخیر انجام می‌شود. به همین دلیل ظرفیت تولید لزوماً به معنای ظرفیت صادرات نیست. عامل مهم دیگر احتیاط تولیدکنندگان است. کشورهای صادرکننده نفت تمایل ندارند در شرایطی که آینده امنیت منطقه هنوز نامشخص است با افزایش سریع تولید، بازار را با مازاد عرضه مواجه کنند. از سوی دیگر، ائتلاف اوپک‌پلاس نیز همچنان تلاش می‌کند، تعادلی میان احیای تولید و حفظ قیمت‌های جهانی برقرار کند. برای بازار جهانی انرژی این وضعیت به معنای ادامه محدودیت عرضه در ماه‌های آینده است. هرچند افزایش تدریجی تولید از شدت فشار بر بازار کاسته اما بازنگشتن کامل ظرفیت تولید باعث می‌شود، بازار نفت همچنان نسبت به هر تحول سیاسی یا امنیتی در خلیج‌فارس حساس باقی بماند. در چنین شرایطی هرگونه اختلال جدید در مسیرهای صادراتی یا تأسیسات نفتی می‌تواند، دوباره قیمت نفت را با جهش روبه‌رو کند. برآورد بسیاری از تحلیلگران این است که اگر روند کاهش تنش‌ها ادامه یابد و اختلال تازه‌ای در منطقه ایجاد نشود، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس می‌توانند به‌تدریج تولید خود را افزایش دهند. با این حال رسیدن به سطح تولید پیش از جنگ احتمالاً تا اوایل سال ۲۰۲۷ به طول خواهد انجامید. این بدان معناست که بازار جهانی نفت دست‌کم تا یک سال آینده همچنان با پیامدهای جنگ زندگی خواهد کرد؛ جنگی که اگرچه شعله‌های آن فروکش کرده اما آثار آن بر عرضه انرژی جهان هنوز به پایان نرسیده است.



#### همتی زیر ضرب

کمت‌ر مقامی در اقتصاد ایران به اندازه جایگاه رئیس کل بانک مرکزی شکننده است. هر تصمیم او زیر سایه عواملی گرفته می‌شود که بسیاری از آنها در اختیارش نیست. در چنین شرایطی، قضاوت درباره عملکرد بانک مرکزی تنها با نگاه به آمار تورم، مانند قضاوت درباره ناخدای یک کشتی در دل توفان، بدون دیدن ارتفاع موج‌هاست. کاهش تورم تیرماه نیز بیش از آنکه از پایان توفان خبر دهد، نشان می‌دهد شدت امواج برای مدتی کوتاه کمتر شده است. مهم‌ترین نگرانی آن است که عوامل بنیادی ایجادکننده تورم نه‌تنها از میان نرفته‌اند بلکه در برخی حوزه‌ها تشدید نیز شده‌اند. رشد بی‌سابقه نقدینگی، کسری مزمن بودجه، محدودیت‌های تجاری و بازگشت تنش‌های ژئوپلیتیک همگی نشان می‌دهند، کاهش



# تخریب «اشتباهی»

## چرا جداول خیابان سنایی شبانه تخریب شد؟

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



تاریکی نیمه‌شب با صدای مهیب ضربات پی‌درپی پتک بر بتن و سیمان شکسته شد. ساکنان و کسبه خیابان سنایی تهران که پیش از این نیز ناآرامی‌ها و فشارهای متعددی را تجربه کرده بودند از پنجره‌ها شاهد تخریب جدول‌ها و باغچه‌های مقابل کافه‌های محبوب خود بودند. افرادی در دل شب بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا اخطار قبلی، زیرساخت‌های پیاده‌رو را در هم کوبیدند و صبح روز بعد، انبوهی از سیمان‌های متلاشی شده و پیاده‌رویی مخروبه بر جای ماند. خیابان سنایی در قلب پایتخت طی سال‌های اخیر به یکی از شریان‌های حیاتی زیست اجتماعی و فرهنگی بدل شده است. باغچه‌ها و لبه‌های جدول این راسته، فارغ از نقش شهری‌شان، محلی برای توقف، نشستن و گفت‌وگوی جوانان و شهروندان بودند. این تخریب ناگهانی موجی از ابهام، نگرانی و اعتراض را میان اهالی و کاسبان منطقه برافروخت.

**سناریوی پاتوق‌زدایی**

این تخریب فیزیکی، مجزا از رفتارهای ماه گذشته با کسب‌وکارهای این منطقه نیست. وقوع این حادثه درست پس از بازگشایی کافه‌ها از یک دوره پلمب چند روزه، حاکی از فشار مستمر بر فضاهای جمعی است. کافه‌داران که با امید به ادامه

جامعه

# آخرین پرواز

## ماجرای بازگشت پیکر یکی از خلبانان سوخو-۲۴ و کشته شدن یک دریانورد ایرانی در حمله به کشتی «آنا»

**گروه اجتماعی:** یازدهم اسفند ماه سال گذشته، با اوج‌گیری درگیری‌های منطقه‌ای و تهاجم دشمنان، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دست به یک عملیات ویژه و راهبردی زد. در این عملیات برون‌مرزی، دو فروند جنگنده بمب‌افکن سوخو-۲۴ از پایگاه هفتم شکاری شهید دوران شیراز به پرواز درآمدند. هدف این مأموریت، ضربه زدن به یکی از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، یعنی پایگاه هوایی العدید واقع در کشور قطر بود. جنگنده‌های ایرانی با بهره‌گیری از تکنیک‌های پروازی و نفوذ در ارتفاع پایین توانستند از سد سامانه‌های شناسایی، رادارهای متعدد و لایه‌های پدافندی پیشرفته عبور کرده و مواضع تعیین شده را در پایگاه العدید به شدت بمباران کنند. گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که این حمله خسارات سنگینی به بخش‌های مختلف پایگاه وارد آورد و اهداف عملیاتی ارتش را به‌طور کامل محقق کرد. با این حال، مسیر بازگشت این پرواز با پیچیدگی‌های سنگین پدافندی همراه شد. بر فراز پهنه خلیج‌فارس، دو بمب‌افکن ایرانی که هر کدام دارای دو کابین و دو خلبان بودند مورد اصابت آتش سامانه‌های پدافندی قرار گرفتند. اصابت موشک‌ها منجر به سقوط جنگنده‌ها و جان باختن خلبانان شد اما وضعیت دقیق پیکرها و سرنوشت چهار خلبان حاضر در این دو جنگنده تا ماه‌ها در هاله‌ای از ابهام و سکوت خبری باقی ماند.

**پایان ماه‌هایی خبری؛ احراز هویت خلبان مجید کاظمی**

یکی از خلبانان حاضر در این عملیات، امیر سرتیپ دوم خلبان مجید کاظمی بود؛ از فرماندهان برجسته یگان‌های عملیاتی نیروی هوایی ارتش که تمامی مراحل تخصصی و رزمی را در دانشگاه علوم هوایی شهید ستاری طی کرده و بخش عمده‌ای از خدمت خود را به‌عنوان خلبان راهبردی جنگنده سوخو-۲۴ سپری کرده بود. او لیدری یکی از جنگنده‌های این عملیات برریسک را برعهده داشت.

پس از ماه‌هایی خبری و دشواری‌های فراوان به دلیل شرایط خاص محل سقوط هواپیما در خاک و آب‌های منطقه، مرکز ژنتیک ارتش با انجام بررسی‌های دقیق تخصصی و آزمایش‌های پیچیده DNA موفق شد، هویت پیکر این خلبان برجسته را احراز کند. با تأیید قطعی خبر شهادت، پیکر امیر سرتیپ دوم خلبان

فعالیت، درهای مغازه‌های خود را گشوده بودند با فضای نوینی از ارعاب روانی و تخریب معابر مواجه شدند.

در روزهای پس از این واقعه، صندلی‌ها و میزهای بیرونی که به پیاده‌روهای خیابان سنایی و حتی راسته‌های مجاور مانند ایرانشهر حیاتی تازه می‌بخشیدند، جمع‌آوری شدند. کسبه منطقه تأکید می‌کنند که این اقدام از روی ناچاری و برای جلوگیری از برخورد‌های سلیقه‌ای یا پلمب مجدد صورت گرفته است. تعدادی از تحلیلگران شهری و کسبه قدیمی بر این باورند که هدف اصلی از این دست اقدامات از بین بردن امکان توقف و تجمع شهروندان و در یک کلام «پاتوق‌زدایی» از فضاهای شهری است؛ روندی که در سال‌های گذشته نیز با مسدودسازی راسته‌های غذاهای خیابانی نظیر خیابان سی تیر یا تغییر مبلمان شهری در میدان‌ها تجربه شده بود.

«یک روز با نظارت‌های سلیقه‌ای، کافه‌ها را پلمب می‌کنند و روز دیگر که می‌بینند کافه‌ها باز شده‌اند، جدول‌های روی‌رو که محل نشستن بچه‌ها بود را خراب می‌کنند تا عملاً امکان توقف در پیاده‌رو سلب شود».

**«اشتباه پیمانکار» بود**

روایات اولیه از علت این تخریب در بردارنده تناقضات آشکاری است. برخی از کسبه و صندوق‌داران کافه‌ها اعلام کردند که نیروهای شهرداری در ابتدای روز، علت تخریب را «اسد معبر» عنوان کردند. این درحالی است که مغازه‌داران تأکید دارند برای وضعیت مقابل کسب‌وکار خود، مجوزهای لازم را داشته‌اند



و تنها اتفاق جاری، نشستن کوتاه‌مدت مردم بر روی لبه جدول‌ها بوده است. با افزایش اعتراضات کسبه در محل، نیروهای اجرایی اعلام کردند که در انجام عملیات «اشتباهی» رخ داده است. در پی بالا گرفتن حواشی این حادثه، ناصر امانی، عضو شورای اسلامی شهر تهران، در گفت‌وگو با روزنامه سازندگی اعلام کرد که «پیمانکار ۱۳۷ شهرداری سهواً این تخریب را انجام داده و هیچ قصدی برای آسیب رساندن یا ارتباطی با ماجرای پلمب‌های اخیر کافه‌ها نداشته است. به گفته این عضو شورای شهر، شهرداری با قبول اشتباه، قول بازسازی و بهسازی مجدد جدول‌ها و پیاده‌رو به کسبه داده و این فرآیند از دیروز آغاز شده است».

**تخریب حق شهر**

تخریب اموال عمومی و مبلمان شهری، صرف‌نظر از اینکه ناشی از خطای انسانی، تصمیم مدیریتی یا اقدام عمدی باشد، در نظام حقوقی ایران دارای چارچوب مشخصی است و مسئولیت‌هایی را متوجه عاملان خسارت می‌کند. اموال شهری، از معابر و پیاده‌روها گرفته تا تجهیزات خدماتی و زیرساخت‌های عمومی،

باری غیرنظامی را هدف قرار دادند. با اصابت مستقیم پهپادها به پل فرماندهی شناور، این بخش به‌طور کامل تخریب شد، سه تن از خدمه مجروح شدند و یکی از جدی‌ترین جنایات علیه امنیت دریانوردی تجاری در منطقه خزر به وقوع پیوست.

**شهادت در اولین سفر دریایی؛ سرنوشت نیما مرادی**

قربانی اصلی این حمله پهپادی، نیما مرادی، دریانورد جوان ۲۳ساله اهل بندرانزلی بود. نیما، فرزند تهنغازی یک خانواده ۵ نفره و پسری ورزشکار بود که مدال‌ها و مقام‌های متعدد قهرمانی کشوری را در رشته تکواندو در کارنامه داشت و از هواداران پرشور تیم فوتبال ملوان انزلی به شمار می‌رفت. او همچنین فرزند یکی از آزادگان و جانبازان ۳۵ درصد دفاع مقدس بود که پدرش پس از ۲۷ ماه اسارت در سال ۱۳۶۹ به کشور بازگشته بود. نیما که عاشق دریا بود، دوره‌های تخصصی دریانورد شناورهای غیرنظامی را طی کرده بود تا کار حرفه‌ای خود را روی پهنه آب‌ها آغاز کند. حضور او روی عرشه کشتی تجاری «آنا» اولین تجربه رسمی و حرفه‌ای دریانوردی‌اش محسوب می‌شد. در جریان اصابت پهپاد به پل فرماندهی کشتی، ترکش ناشی از انفجار به سر نیما مرادی اصابت کرد و منجر به شهادت وی شد. این حادثه درست دو روز پیش از پنجم مردادماه- سالروز تولد ۲۴سالگی او- رخ داد؛ روزی که خانواده و دوستانش در تدارک برگزاری جشن تولدش بودند اما در نهایت پیکر او را در زادگاهش بندرانزلی به خاک سپردند. حمله به یک کشتی تجاری و غیرنظامی حامل بار آهن در مجاورت رود ولگا، واکنش‌های تند مقامات سیاسی و حقوقی ایران را به همراه داشت. ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای رسمی، اقدام نظامی اوکراین را تجاوزی غیرقابل توجیه و ناقض آشکار اصول مسلم حقوق بشردوستانه و معاهدات بین‌المللی در حمایت از جان دریانوردان غیرنظامی خواند. وزارت امور خارجه ایران نیز با هشدار به کی‌یف، این ماجراجویی پهپادی در دریای خزر را ناقض منشور ملل متحد و عاملی برای ناامنی تجارت بین‌المللی دانست و بر محفوظ بودن حق پاسخگویی و دفاع از منافع ملی تأکید کرد. همچنین استاندار گیلان و مراجع قضایی و بنیاد شهید، این تهاجم را حمله مستقیم به امنیت خطوط مواصلاتی و اقتصادی منطقه عنوان کرده و از پیگیری حقوقی موضوع در مراجع بین‌المللی خبر دادند.

جزو دارایی‌های عمومی محسوب می‌شوند و هرگونه آسیب به آنها می‌تواند، تبعات کیفری و مدنی به همراه داشته باشد. براساس ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) هر فردی که عمداً اموال متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی را تخریب یا تلف کند، مرتکب جرم شده و مشمول مجازات خواهد بود. این ماده شامل اموال متعلق به نهادهای عمومی ازجمله شهرداری‌ها نیز می‌شود. علاوه بر این ماده ۶۸۷ همین قانون، تخریب یا ایجاد حریق در تأسیسات و ابنیه عمومی، راه‌ها، شریان‌های شهری و مراکز خدماتی را به‌طور مشخص، جرم‌انگاری کرده و برای چنین اقداماتی، مجازات حبس پیش‌بینی کرده است. در کنار مسئولیت کیفری، موضوع جبران خسارت نیز مطرح است. مطابق ماده یک قانون مسئولیت مدنی هر شخصی که بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی و بی‌مبالایی به مال، جان یا حقوق افراد و نهادهای آسیب وارد کند، موظف به جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود. بنابراین در صورت وارد شدن خسارت به اموال عمومی امکان مطالبه هزینه‌های بازسازی و جبران زیان‌های وارد شده، وجود دارد. همچنین ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت دستگاه‌های عمومی و کارکنان آنها را در قبال خسارات ناشی از عملکردشان مورد توجه قرار داده است. بر این اساس اگر کارکنان یا پیمانکاران شهرداری در جریان انجام وظایف خود موجب آسیب به زیرساخت‌های شهری یا تخریب اموال عمومی شوند، مسئولیت جبران خسارت متوجه آنان یا دستگاه مربوطه خواهد بود و منابع عمومی و عوارض پرداختی شهروندان نباید صرف جبران خسارت‌های ناشی از تصمیم‌های غیرضروری یا اقدامات غیرکارشناسی شود. از سوی دیگر قانون شهرداری‌ها نیز وظایف مشخصی برای مدیریت شهری تعیین کرده است. مطابق بند ۱۴ ماده ۵۵ این قانون، حفظ، نگهداری و ترمیم معابر، خیابان‌ها و فضاهای عمومی از وظایف ذاتی شهرداری به‌شمار می‌رود. بر همین اساس مدیریت شهری موظف است در صورت آسیب‌دیدگی زیرساخت‌ها ضمن بررسی علت حادثه و تعیین مسئولیت‌ها، نسبت به ایمن‌سازی و بازگرداندن سریع فضاهای عمومی به وضعیت مناسب برای استفاده شهروندان اقدام کند.

رسانه

### از «عشق ابدی» تا آنتن شبکه سه

#### تغییر رویکرد یا تناقض رسانه‌ای؟

حضور یکی از شرکت‌کنندگان شناخته‌شده برنامه اینترنتی «عشق ابدی» در شبکه سه سیما، بار دیگر بحث درباره رویکرد صداوسیما در قبال چهره‌ها و برنامه‌هایی که پیش‌تر مورد انتقاد شدید قرار می‌گرفتند را به صدر واکنش‌های رسانه‌ای و فضای مجازی کشاند. برنامه «عشق ابدی» که با همکاری یک تیم ایرانی و گروهی از تهیه‌کنندگان در ترکیه تولید می‌شود از زمان آغاز پخش خود همواره با انتقاد نهادهای رسمی و رسانه‌های داخلی مواجه بوده است. این برنامه بارها به ترویج سبک زندگی مغایر با ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی متهم شد و حتی دستگاه قضایی نیز از برخورد با برخی شرکت‌کنندگان آن خبر داد؛ به‌گونه‌ای که صفحات تعدادی از عوامل و شرکت‌کنندگان «عشق ابدی» و «زن روز» توقیف و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شد. با این حال حضور «دکتر پژمان» از چهره‌های شاخص این برنامه در گفت‌وگوی شبکه سه بسیاری را شگفت‌زده کرد. آنچه پیش از همه مورد توجه قرار گرفت، شوخی ژیلآ صادقی، مجری برنامه با او بود؛ جایی که خطاب به مهمان خود گفت: «خوب داشتی بازی می‌کردی!»؛ جمله‌ای که از سوی بسیاری از کاربران، اشاره‌ای مستقیم به حضور او در «عشق ابدی» تعبیر شد. این برنامه بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشت. برخی کاربران از اظهارات دکتر پژمان درباره لزوم قضاوت شخصیت‌های سیاسی بر اساس کارنامه و عملکردشان استقبال کردند و آن را دعوتی به نگاهی منصفانه‌تر دانستند. در مقابل، گروهی دیگر هم با محتوای سخنان او و هم با اصل حضور یکی از شرکت‌کنندگان برنامه‌ای که پیش‌تر از سوی نهادهای رسمی مورد انتقاد قرار گرفته بود، مخالفت کردند. پژمان نیز در واکنش به این بازخوردها با انتشار یادداشتی در اینستاگرام تأکید کرد که دیدگاه‌هایش بر پایه باور شخصی بیان شده و هدفش دعوت به قضاوت جامع‌تر درباره افراد و رخدادها بوده است. با این حال آنچه همچنان محل پرسش باقی‌مانده، نه صرفاً اظهارات مهمان برنامه بلکه تغییر محسوس رویکرد رسانه‌ای نسبت به چهره‌ای است که تا همین اواخر، حضورش در یکی از جنجالی‌ترین برنامه‌های اینترنتی، مصداق ترویج سبک زندگی ناسازگار با هنجارهای رسمی تلقی می‌شد.



سال نهم شماره ۲۲۹۲  
پنج‌شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵



# دیدگاه

## بررسی مسائل روز

**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی ● صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران ● مدیرمسئول: امیر اقتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی زینظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان ● ویراستار: سعیده آرین‌فر ● حروف‌چین: سحر خسروچردی ● نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ ● چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹–۸۸۵۳۷۲۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

# واکنش به «سازمان شکاف ملی»

## جوابیه سازمان صداوسیما به گزارش روزنامه سازندگی

در پی انتشار گزارش «سازمان شکاف ملی» در شماره سوم مرداد روزنامه سازندگی، روابط عمومی سازمان صداوسیما جوابیه‌ای منتشر کرد که در ادامه می‌خوانید:

در پی انتشار مطلبی در روزنامه سازندگی با عنوان و مضمونی ناظر بر «سانسور سخنان رؤسای قوا»، «تشدید تنش‌های سیاسی» و «نادیده گرفتن صدای رسمی دیپلماسی کشور»، در رسانه ملی، روابط عمومی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران به‌منظور توییر افکار عمومی و صیانت از حقیقت، لازم می‌داند توضیحات زیر را با رویکردی مستند، حرفه‌ای و مبتنی بر واقعیات میدانی و رسانه‌ای ارائه کند.
در آغاز باید تأکید شود که صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان رسانه ملی، خود را متعهد به انعکاس دقیق، مسئولانه، جامع و حرفه‌ای مواضع و دیدگاه‌های مقامات رسمی کشور می‌داند و در همه سال‌های گذشته نیز این وظیفه را در چارچوب مصالح ملی، ضوابط حرفه‌ای، اصول امانت‌داری رسانه‌ای و الزامات قانونی دنبال کرده است. از همین منظر، طرح این ادعا که سازمان صداوسیما به‌صورت عامدانه یا سازمان‌یافته در مسیر «حذف روایت رسمی کشور» یا «تقویت شکاف و اختلال» حرکت می‌کند ادعایی نادرست، غیرمنصفانه و مغایر با واقعیت عملکرد این سازمان در حوزه خبر و اطلاع‌رسانی است.

آنچه در مطلب یادشده به‌عنوان «سانسور» یا «حذف‌گزینشی» مطرح شده در موارد متعددی ناشی از بی‌توجهی به اصول حرفه‌ای انتشار اخبار و ضوابط شناخته‌شده رسانه‌ای در بازتاب نقل‌قول‌های خاص و حساس است. رسانه ملی، به‌ویژه در شرایط خطیر و حساس کشور، نمی‌تواند و نباید بدون احراز صحت، بدون اخذ تأییدهای لازم در موارد مقتضی و بدون ملاحظه اقتضانات امنیتی، حقوقی و رسانه‌ای هر عبارتی را به همان صورت خام و بدون بررسی در همه قالب‌ها بازنشر کند. این اصل نه نشانه جانبداری سیاسی بلکه لازمه مسئولیت حرفه‌ای و ملی یک رسانه فراگیر است.

**درباره ادعای حذف یا تقلیل مواضع رسمی رؤسای قوا**

روزنامه سازندگی در بخشی از مطلب خود مدعی شده که رسانه ملی با حذف یا تقلیل سخنان رؤسای قوا به اختلافات دامن زده و از بازتاب وحدت و هماهنگی میان قوا خودداری کرده است. این ادعا با واقعیت آرشیو و کنداکتور خبری سازمان مطابقت ندارد. نمونه روشن آن پوشش خبر حضور رئیس‌جمهور در شورای عالی قضایی در تاریخ ۲۹ تیرماه است که نمتنها نادیده گرفته نشد بلکه در سرخط اصلی بخش‌های خبری ساعت ۲۱ و ۳۰:۲۰ قرار گرفت. در این گزارش‌ها، افزون بر بازتاب حضور رئیس‌جمهور در آن نشست بر قدررانی رئیس قوه قضائیه و نیز ضرورت همدلی، همکاری و اتحاد میان دستگاه‌ها تصریح و تأکید شد. اگر ادعای سازندگی مبنی بر بی‌اعتنایی رسانه ملی به همگرایی قوا صحیح بود، قرار گرفتن همین خبر در صدر مهم‌ترین بخش‌های خبری سازمان قابل توضیح نبود.

از این منظر، تعمیم برخی برداشت‌های سلیقه‌ای به یک «سیاست عام» علیه وحدت قوا، نه با مستندات موجود سازگار است و نه با رویکرد واقعی رسانه ملی. صداوسیما در طول سال‌های فعالیت خود، در همه بزنگاه‌های مهم، بستری برای انعکاس مواضع رسمی کشور و تقویت انسجام ملی بوده و همچنان نیز چنین خواهد بود.

#### ادامه یادداشت روز

# راهبردی برای مهار قدرت سایه

تضعیف این نهادها فاصله دولت و جامعه را افزایش می‌دهد، درحالی که تقویت آنها کیفیت تصمیم‌گیری و انسجام ملی را ارتقا می‌بخشد.
از همین منظر، گذار از «اصلاح‌طلبی قدرت‌محور» به «اصلاح‌طلبی جامعه‌محور» صرفاً یک تغییر در تاکتیک سیاسی نیست بلکه تغییری در فلسفه سیاست‌ورزی است. در این رویکرد، موفقیت یک جریان سیاسی تنها با میزان حضورش در ساختار قدرت سنجیده نمی‌شود بلکه با سهم آن در افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت نهادهای عمومی، گسترش گفت‌وگو و ارتقای کیفیت حکمرانی ارزیابی خواهد شد. البته این رویکرد نباید محدود به یک جریان سیاسی بماند. امروز همه نیروهای دلسوز کشور، فارغ از گرایش‌های سیاسی با یک مسئولیت مشترک روبه‌رو هستند: حفظ انسجام ملی و افزایش ظرفیت ایران برای مواجهه با چالش‌های آینده. این هدف، نه با حذف تفاوت‌ها بلکه با پذیرش کتشر، تقویت قانون‌گرایی و گفت‌وگوی مسئولانه دست‌یافتنی است.

اگر سیاست بتواند از رقابت صرف برای قدرت به رقابت برای ارائه راه‌حل‌های بهتر برای مسائل کشور تبدیل شود، اعتماد عمومی نیز به‌تدریج بازسازی خواهد شد. در چنین شرایطی، قدرت رسمی مشروعیت و کارآمدی بیشتری می‌یابد و زمینه برای گسترش سازوکارهای غیررسمی و فرساینده نیز محدودتر می‌شود. بازسازی حکمرانی بیش از آنکه به تغییر قوانین یا جابه‌جایی مدیران وابسته

خاصی از یک مصاحبه یا محتوای اختصاصی تأکیدی وجود داشته باشد روال حرفه‌ای آن است که این موضوع از طریق همان مرکز به سازمان ابلاغ شود. بدیهی است در صورت وجود درخواست یا تأکید خاص از سوی وزیر محترم امور خارجه یا مجموعه دستگاه دیپلماسی، انتقال آن به رسانه ملی از مجرای سازمانی مربوطه انجام می‌شود. از این‌رو طرح این موضوع به‌گونه‌ای که گویی رسانه ملی یک جانبه و بدون تعامل، تصمیم به حذف محتوای دیپلماتیک گرفته است با واقعیت سازوکارهای جاری میان دو دستگاه همخوان نیست.

همچنین باید توجه داشت که پخش مشروح و کامل همه گفت‌وگوهای وزیر محترم امور خارجه با رسانه‌های خارجی به دلیل محدودیت‌های زمانی در بخش‌های خبری و تفاوت قالب مخاطب در همه موارد امکان‌پذیر نیست؛ اما بخش‌های کلیدی و مهم این مصاحبه‌ها در قالب خبر، گزارش، زیرنویس، خبر مکتوب، خروجی‌های سایت، شبکه‌های اجتماعی و دیگر بسترهای رسانه ملی منتشر شده است.

برای رفع هرگونه ابهام، بخشی از مصاحبه‌های وزیر محترم امور خارجه که در رسانه ملی منتشر و بازتاب یافته به شرح زیر است:

مصاحبه با PBS در ۱۹ اسفند

مصاحبه با MSNOW در ۲۳ اسفند

مصاحبه با الجزیره انگلیسی در ۲۷ اسفند

مصاحبه با الجزیره عربی در ۲۷ فروردین

مصاحبه با المیادین در ۱۳ خرداد

بررسی‌ها حاکی از آن است که تمامی این مصاحبه‌ها در رسانه ملی بازتاب یافته‌اند. افزون بر این چنانچه مصاحبه با پخش خاصی بیش از آنچه منتشر شده، مدنظر ایشان یا مجموعه وزارت امور خارجه باشد، انتظار می‌رود مطابق روال حرفه‌ای از طریق مرکز دیپلماسی و رسانه آن وزارتخانه به رسانه ملی اعلام شود.

**حجم و گستره انعکاس وزارت امور خارجه در رسانه ملی**

در برابر ادعای نادیده گرفتن صدای رسمی دیپلماسی، آمارهای موجود تصویری کاملاً متفوات ارائه می‌دهد. براساس داده‌های مستند از آبان ماه گذشته تاکنون ۴۱۸ مورد خبر و محتوای رسانه‌ای مرتبط با رئیس دستگاه سیاست خارجی در کنداکتور بخش‌های خبری سازمان قرار گرفته و پخش شده است. این میزان انعکاس در مقایسه با سایر وزرا و وزارتخانه‌ها با فاصله‌ای قابل‌توجه در رتبه نخست قرار دارد. همچنین تمامی مواضع سخنگوی محترم وزارت امور خارجه در خروجی‌های مختلف رسانه ملی بازتاب یافته و تنها از آذرماه گذشته تا پایان تیرماه جاری ۱۳۸ خبر مرتبط با جناب آقای قباپی منتشر شده است.

علاوه بر این نشست‌های خبری سخنگوی وزارت امور خارجه نیز به‌صورت ویژه پوشش داده شده است؛ به نحوی که افزون بر گزیده اظهارات در بخش‌های خبری، اصل نشست‌ها به‌صورت زنده از شبکه خبر پخش و در روزهای بعد نیز بازپخش شده است. همچنین حضور مقامات این وزارتخانه در برنامه‌های شصصی مانند «گفت‌وگوی ویژه خبری» نیز با همکاری و همراهی متقابل میان رسانه ملی و تیم رسانه‌ای وزارت امور خارجه فراهم شده است. حتی در شرایط دشوار ناشی از جنگ و محدودیت‌های امنیتی نیز رسانه ملی سازوکارهای لازم برای انتقال و بازتاب مواضع وزیر محترم امور خارجه را در اماکن خارج از سازمان فراهم کرده است.

با این حجم از تعامل، همراهی و انعکاس، نسبت دادن عنوان‌هایی نظیر «پایگانی شدن» یا «نادیده گرفتن صدای رسمی دیپلماسی» به عملکرد رسانه ملی، نمتنها با آمار و مستندات سازگار نیست بلکه تصویری خلاف واقع از مناسبات حرفه‌ای میان سازمان صداوسیما و دستگاه دیپلماسی ارائه می‌دهد.

**درباره ادعای جناحی بودن رسانه ملی**

روزنامه سازندگی در بخش‌هایی از مطلب خود، مدیریت و

عملکرد رسانه ملی را به یک جریان خاص نسبت داده و سازمان را متهم کرده که به‌جای ایفای نقش ملی به اتاق عملیات یک جریان سیاسی تبدیل شده است. این نوع داوری‌های کلی فاقد دقت حرفه‌ای و مستندات عینی است. سازمان صداوسیما یک نهاد فراگیر ملی با ساختارهای متنوع، شبکه‌های متعدد، حوزه‌های مأموریتی گوناگون و هزاران نیروی انسانی است که در شرایط پیچیده و دشوار داخلی و خارجی، مسئولیت اطلاع‌رسانی، تبیین، آگاهی‌بخشی، ایجاد آرامش و مقابله با جنگ روانی دشمن را برعهده دارد. فروکاستن چنین نهادی به برجسب‌های سیاسی و جناحی بیش از آنکه تحلیل واقع‌گرایانه باشد، نوعی مواجهه تقلبلی و تبلیغاتی با یک نهاد حاکمیتی است.

نقد عملکرد رسانه ملی، همانند هر نهاد دیگر، حق رسانه‌ها و صاحب‌نظران است؛ اما این نقد زمانی اعتبار حرفه‌ای می‌یابد که مبتنی بر سند، جامع‌نگر و به دور از پیش‌داوری باشد. نسبت دادن «جنگ‌افروزی»، «افراط‌گرایی» یا «تولید ترس و یأس» به رسانه‌ای که در سخت‌ترین روزهای بحران، جنگ، ناامنی، تهدید خارجی و عملیات روانی دشمن، اصلی‌ترین مرجع انتقال خبر، هشدار، تبیین و انسجام‌بخشی به افکار عمومی بوده بیش از هر چیز نادیده گرفتن کارکرد واقعی رسانه ملی در میدان است.

**درباره مرجعیت خبری و ادعای کاهش اعتماد عمومی**

در مطلب یاد شده، با استناد به برخی گزاره‌های کلی، کاهش مرجعیت خبری صداوسیما نتیجه مستقیم تک‌صدایی و سانسور عنوان شده است. بدیهی است موضوع مرجعیت رسانه‌ای، مقوله‌ای پیچیده و چندعاملی است که نمی‌توان آن را با چند برجسب سیاسی یا چند نمونه ادعایی فروکاست. تغییرات فناورانه، گسترش پلتفرم‌های نوین، شتاب گردش اطلاعات، رقابت فشرده رسانه‌ای و شکل‌گیری الگوهای جدید مصرف محتوا همگی در تحول میدان مرجعیت رسانه‌ای دخیل‌اند. با این حال واقعیت آن است که در بزنگاه‌های اصلی کشور اعم از بحران‌ها، تحولات مهم امنیتی، جنگ روایت‌ها، رویدادهای ملی و رخدادهای اضطراری همچنان یکی از اصلی‌ترین مراجع رسمی و فراگیر برای دریافت خبر موثق و معتبر، رسانه ملی است.

از سوی دیگر، اگر برخی رسانه‌ها واقعاً دغدغه تقویت مرجعیت رسانه‌ای در داخل کشور را دارند، راه آن نه تخریب مستمر مهم‌ترین نهاد رسانه‌ای داخلی بلکه نقد منصفانه، همکارای حرفه‌ای، پرهیز از تولید دوگانه‌های کاذب و کمک به ارتقای سرمایه رسانه‌ای ملی است. تضعیف بی‌منا و مکرر رسانه ملی در نهایت به سود رسانه‌های معارض و برون‌مرزی تمام می‌شود؛ امری که طبیعتاً با ادعای دلسوزی برای انسجام ملی هم‌خوانی ندارد.

**نقد حق رسانه‌هاست**

روابط عمومی سازمان صداوسیما با تأکید بر حق رسانه‌ها برای نقد عملکرد نهادهای عمومی بر این نکته نیز تصریح می‌کند که نقد حرفه‌ای، زمانی واجد ارزش و اعتبار است که بر پایه اطلاعات صحیح، تحلیل منصفانه و استناد دقیق استوار باشد. انتشار اطلاعات نادرست، برجسته‌سازی گزینشی برخی ادعاها، نادیده گرفتن آرشیوهای روشن خبری و نتیجه‌گیری‌های شتابزده، نمتنها کمکی به شفافیت و بهبود عملکرد رسانه‌ها نمی‌کند بلکه خود نوعی عدول از اصول حرفه‌ای رسانه‌ای است.

در همین موضوع اخیر نیز برخی روایت‌های منتشر شده بدون مراجعه به مستندات موجود، بدون بررسی خروجی‌های خبری و بدون توجه به سازوکارهای حرفه‌ای انتشار، عملکرد رسانه ملی را زیر سوال برده‌اند. حال آنکه با یک بررسی ساده آرشیو هم پوشش گسترده تعاملات قوا روشن می‌شود، هم حجم بالای انعکاس اخبار وزارت امور خارجه و هم چارچوب‌های حرفه‌ای سازمان در مواجهه با موضوعات حساس.

می‌گیرد. در چنین چارچوبی، مهار قدرت سایه نیز نه از مسیر تقابل بلکه با افزایش کارآمدی و مرجعیت نهادهای رسمی محقق می‌شود. هرچه دولت در حل مسائل عمومی موفق‌تر عمل کند و جامعه را در فرایند تصمیم‌سازی و توسعه سهیم بداند، زمینه برای گسترش سازوکارهای غیررسمی و فرساینده محدودتر خواهد شد.

در این میان، مسئولیت نخبگان، دانشگاهیان، احزاب، رسانه‌ها و همه نیروهای سیاسی، فراتر از رقابت‌های معمول است. رسالت اصلی آنان باید کمک به افزایش کیفیت حکمرانی، تقویت فرهنگ گفت‌وگو، ارائه راه‌حل‌های عملی و بازسازی سرمایه اجتماعی باشد. آینده ایران نه در حذف تفاوت دیدگاه‌ها بلکه در تبدیل این تفاوت‌ها به فرصتی برای هم‌افزایی، یادگیری متقابل و همکاری ملی رقم خواهد خورد. اگر بپذیریم که مسئله امروز ایران بیش از آنکه کمبود قدرت باشد، کیفیت اعمال قدرت است، مسیر پیش رو نیز روشن‌تر خواهد شد. راه تقویت کشور از بازسازی اعتماد عمومی، ارتقای کیفیت حکمرانی، توانمندسازی جامعه و افزایش مسئولیت‌پذیری نهادهای رسمی می‌گذرد؛ مسیری که توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی، امنیت ملی و همبستگی اجتماعی را به دستاوردهای یک راهبرد واحد تبدیل می‌کند. ایران از سرمایه‌های بزرگی چون تاریخ، فرهنگ، سرمایه انسانی و تجربه‌های ارزشمند توسعه برخوردار است. بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم آن است که همه نیروهای دلسوز کشور، با نگاهی آینده‌نگر و مسئولانه، در مسیر تقویت اعتماد، اصلاح حکمرانی و افزایش تاب‌آوری ملی گام بردارند. در نهایت، تقویت قدرت رسمی و مهار قدرت سایه نه یک انتخاب سیاسی بلکه ضرورتی برای ساختن ایرانی باثبات‌تر، توانمندتر و توسعه‌یافته‌تر است.